ماندگار

روزنامۀ صبح افغانستان

چاپ همزمان: کابل – هرات

پخش همزمان: بلخ، پروان، پنجشیر، میدان وردگ و کاپیسا

www.mandegardaily.com

جان ماکسول

اگر خود به خویشتن اعتماد ندارید، دیگران هم به شما اعتماد نخواهند کرد.

سال ۱۰ ❁ شمارۀ مسلسل ۲۳۵۴ ❁ دوشنبه ۳۰ میزان/مهر ۱۳۹۷ ❁ ۱۱ صفرالمظفر ۱۴۴۰ ❁ ۲۲ اکتبر ۲۰۱۸

انتخاباتِ دو روزه‌یی مجلس نماینده‌گان پایان یافت

چهار ناظر انتخاباتی در بلخ کشته شد

مقامات امنیتی در ولایت بلخ اعلام کرده‌اند که چهار ناظر انتخاباتی از سوی افراد مسلح ناشناس کشته شده‌اند.

سرور حسینی سخنگوی پولیس ۷۰۷ پامیر گفته که این چهار ناظر روز شنبه از سوی افراد ناشناس ربوده شده و ناوقت دیروز در شهر افغانیه ولسوالی نهرشاهی این ولایت کشته شده‌اند.

او افزوده که اجساد این افراد به شهر مزار شریف منقل شده است.

تا هنوز هیچ فرد یا گروهی مسوولیت این رویداد را بر عهده نگرفته اما مقام‌های امنیتی بلخ طالبان را مسوول این رویداد معرفی می‌کنند.

این درحالی است که پیش از این همزمان با برگزاری انتخابات پارلمانی در کشور، چندین رویداد امنیتی در شهر کابل، ولایت‌های قندوز، غور و پروان گزارش شده بود.

پیشتر طالبان هشدار داده بود که مانع برگزاری انتخابات پارلمانی می‌شوند؛ اما نیروهای امنیتی از تامین امنیت انتخابات اطمینان داده بود. بیش از ۷۰ هزار نیروی امنیتی برای تامین امنیت انتخابات گماشته شده بودند.

جنرال رازق مردی که ناگهان قهرمان شد!

صفحه ۲

مسوولان بنیاد انتخابات شفاف و عادلانه افغانستان(فیفا) دیروز در یک نشست خبری تاکید کردند، مدیریت ناسالم کمیسیون مستقل انتخابات سبب شد که مردم از انتظار طولانی در صف‌های رأی‌دهی خسته شوند و نتوانند رأی خود را استفاده کنند.

یوسف رشید، رییس اجرایی این بنیاد گفت: «کمیسیون کوتاهی‌های زیادی داشت که فکر می‌کنم یک عذرخواهی اکتفا نمی‌کند، کمیسیون بیشتر از این باید به مردم پاسخگو باشد».

آقای رشید تاکید می‌کند که عدم آماده‌گی کامل کمیسیون انتخابات برای استفاده ماشین‌های بایومتریک، این وسیله به جای فرصت به یک چالش برای انتخابات پارلمانی تبدیل شده بود.

رییس اجرایی فیفا گفت: «ما هشدارهایی را پیش از شروع انتخابات به کمیسیون داده بودیم که اگر آماده‌گی کامل برای برگزاری انتخابات ندارید، می‌توانید انتخابات را با کمی تأخیر برگزار کنید، اما آنان پافشاری کردند که آماده‌گی کامل برای برگزاری انتخابات پارلمانی روی دست گرفته‌اند».

این مشکلات باعث شد تا کمیسیون، انتخابات را به روز یک‌شنبه در برخی مراکز نیز برگزار کند.

فیفا:
مدیریت ناسالم کمیسیون انتخابات سبب شد شهروندان از حق رأی خود محروم شوند

صفحه ۶

جنرال عبدالرازق چرا و چگونه کشته شد؟

صفحه ۳

قدردانی یوناما از مردم و کمیسیون انتخابات

کمیتۀ مصونیت خبرنگاران:
گزارش‌دهی رسانه‌ها از انتخابات بی‌نظیر بود

کمیتۀ مصونیت خبرنگاران اعلام کرد که گزارش‌دهی رسانه‌ها از روز نخست روند انتخابات بی‌نظیر بود.

کمیتۀ مصونیت خبرنگاران اعلام کرد که در حالی که مشکلات امنیتی در سراسر کشور وجود داشت، اما گزارش‌دهی رسانه‌ها از روز نخست روند انتخابات بی‌نظیر بود.

این کمیته می‌گوید که در جریان روز نخست انتخابات کمیتۀ مصونیت خبرنگاران با تمام دفاتر خود در زون‌ها و نیز همکاران ولایتی در تمام ولایت‌های کشور در تماس بود و لحظه به لحظه وضعیت اطلاع‌رسانی، آزادی بیان و خبرنگاران بررسی می‌گردید.

مسوولان این کمیته تاکید کرده است که در جریان روز نخست روند رأی‌دهی، رویداد بسیارجدی و چالش بزرگی برای خبرنگاران پیش نیامده است، اما تنها در دو مورد خشونت در برابر خبرنگاران به ثبت رسیده است.

در اعلامیه کمیتۀ مصونیت خبرنگاران آمده است: در رویداد نخست یک خبرنگار توسط یک نامزد در ولایت کاپیسا ربوده شد، در حالی که وی بی‌نظمی‌ها را در محل رأی‌دهی فیلم‌برداری می‌کرد. در رویداد دوم، یکی از نامزدان یک خبرنگار را پس از آن مورد تهدید قرارداد که از تقلب به نفع یک نامزد مشخص مستندسازی می‌کرد.

این کمیته در ادامه تاکید کرده که تلاش کمیته هم‌چنان برای مصونیت خبرنگاران ادامه خواهد داشت و نیز مشکلاتی که در پیوند به برخوردهای نادرست باخبرنگاران گزارش‌دهی می‌شوند، به جدیت تعقیب خواهد شد.

عزیزی بانک

برای بار نخست در افغانستان، خدمات «بکسک الکترونیکی» یا (AZI-PAY) را به همه شهروندان کشور فراهم کرده‌است. این بکسک الکترونیکی برای ارسال پول از یک حساب بانکی به حساب بانکی دیگر، ارسال پول از یک بکسک به بکسک دیگر، دریافت کردیت‌کارت به موبایل (اتصالات، امتی‌ان، سلام و روشن)، درخواست قرض از دوستان، پرداخت بل برق (بدون فیس – تنها در کابل) و بسیاری از امکانات دیگر استفاده می‌شود. شما می‌توانید اپلیکیشن «AZI-PAY» را از گوگل‌پلی و اپستور به گونۀ رایگان دانلود (دریافت) و در مبایل تان نصب کنید.

1515 www.azizibank.af

AZi pay

عزیزی بانک
Azizi Bank

سخن ماندگار

انتخابات، بازهم افتضاح!

مواردی که در مورد برگزاری انتخابات گمان برده می‌شد، در دور روز انتخابات انجام شد. کمیسیون انتخابات شاید از روی عمد و شاید هم به دلیل کم تجربه‌گی مسوولان و بی‌برنامه‌گی‌های متداوم نتوانست شفافیت و عدالت را در انتخابات عملی سازد.

انتخاباتی که در ۲۸ میزان آغاز شد و تا ۲۹ میزان ادامه پیدا کرد، تکرار همان انتخاباتِ «گوسفندی» سال ۱۳۹۳ بود. انتخاباتی که یک بار دیگر به اعتماد و باور مردم ضربه وارد کرد و بدتر از آن این که احتمال دارد، انتخابات بعدی نیز زیر سایهٔ تأثیرهای ناگوار آن قرار گیرد.

حالا پس از برگزاری چنین انتخاباتی چه باید گفت؟ آیا نتایج آن مورد حمایت مردم و نامزدان شکست خورده واقع خواهد شد و یا این که برعکس، نتایج زمینه‌ساز بحران تازه‌یی انتخاباتی می‌شود؟ این پرسش نگران کننده وقتی پاسخ می‌یابد که موضع کمیسیون و نوع بررسی و اعلام نتایج مشخص شود. اگر کمیسیون‌های انتخابات و شکایات بتوانند آرای سره را از ناسره تا حدود معقولی جدا کنند، شاید نتایج انتخابات در میان اما و اگرهای فراوان از سوی مردم و نامزدان شکست خورده، از سرناچاری مورد تایید قرار گیرد؛ اما اگر چنین نشد و تمایلات سیاسی نتایج انتخابات را مشخص کرد، باید از حالا نگران آینده و بحرانی که به دنبال خواهد آمد، بود. این بحران برای افغانستان بسیار سنگین تمام می‌شود و به همین دلیل باید از حالا تمهیدات لازم برای جلوگیری از چنین وضعیتی اتخاذ شود.

گزارش‌هایی که از مراکز رأی‌گیری و مشارکت مردم ارایه شدند، همه نشان دهندهٔ آن بودند که انتخابات کاستی‌های بسیار زیادی داشت. از ناامنی و حملات انتحاری شروع تا عدم برگزاری به موقع و مشکلات سامانهٔ رأی‌گیری از دشواری‌های این انتخابات سال بودند. این چالش‌ها قابل پیش‌بینی بودند و اگر مدیران انتخابات به موقع عمل می‌کردند، می‌شد گواه برگزاری انتخابات بهتری بود، نسبت به آن چه که برگزار شد.

اگر بحث‌های سیاسی آن گونه که پیش از برگزاری انتخابات از سوی تحلیل‌گران مطرح می‌شد، در انتخابات نقش تعیین کننده داشته باشد که احتمال آن نیز بسیار بالا است، می‌توان از حالا حدس زد که پارلمان آینده نیز اگر بدتر از دوره‌های پیشین نباشد، بدون شک، بهتر نخواهد بود. پیش از این برخی سیاست‌مداران می‌گفتند که ارگ در تلاش مهندسی انتخابات است و می‌خواهد با استفاده از شیوه‌های مختلف تقلب و مهندسی شماری از افراد مورد حمایت خود را وارد مجلس نماینده‌گان سازد. این تمایل زیاد دور از واقعیت هم نمی‌نماید، اگر پس از برگزاری انتخابات پارلمانی، قرار باشد، انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار شود، آنگاه ارگ به حامیان بیشتری در میان مجلس نیاز دارد. هرچند نقش بسیاری از نماینده‌گان در انتخابات‌های ریاست‌جمهوری زیاد تعیین کننده نبوده، ولی به صورت نمادین می‌تواند زمینه را برای باز کردن برخی گره‌ها آماده سازد. در همین حال، بسیاری‌ها باور دارند که ارگ در تلاش به‌وجود آوردن پارلمانی بیشتر نزدیک به خواست‌های خود است تا دیگر آن قدر تحت فشارهای فضای انتقادی مجلس قرار نگیرد.

وقتی انتخابات در دو روز برگزار شود، نتیجهٔ آن بدون شک خرسند کننده نخواهد بود و انجام تقلب و مهندسی در آن بسیار افزایش می‌یابد. ارگ می‌تواند از چنین فضایی به نفع خود استفاده ببرد. برای ارگ بحث دموکراسی و ارزش‌های آن فقط در حد محوطهٔ آن مطرح است، بیشتر از آن نه آقای غنی می‌خواهد مردم افغانستان دموکراسی داشته باشند و نه هم کسانی که او را حمایت می‌کنند. دموکراسی افغانستان بیشتر از آن که از سوی سنت‌های حاکم بر جامعه و تحجر برخی گروه‌ها ضربه دیده باشد، از سوی حاکمانی ضربه خورده که به‌نام آن به کرسی قدرت دست یافتند، اما ارزش‌های آن را به نفع قبیله و گروه مصادره کردند. همان مصیبتی را که آدلف هیتلر بر سر دموکراسی آلمان آورد. او هم از طریق آرای مردم به قدرت دست پیدا کرد ولی خود به قاتل آنان تبدیل شد. اهمیت انتخابات برای حاکمان افغانستان هم چیزی بیشتر از این نیست؛ آنان هم می‌خواهند با استفاده از چنین حربه‌یی قدرت را در انحصار خود نگه دارند، والا ضرور نبود که با سرنوشت مردم بازی کرد و برای شان نظامی خلق کرد که کارآمدی‌اش حتا نمی‌تواند مورد قبول تمامیت‌خواه‌ترین گروه‌ها و افراد قرار گیرد. به همین دلیل، می‌بینیم که سطح مشارکت در هر انتخابات کاهش می‌یابد. شاید حالا کمیسیون انتخابات برای حفظ آبروی برباد رفته‌اش، بخواهد تلاش کند که سطح مشارکت را قناعت‌بخش نشان دهد، اما گزارش‌های مستند از کابل و ولایت‌های کشور نشان می‌دهند که سطح مشارکت به دلایل مختلف بسیار اندک بوده است. در برخی از مناطق کشور حتا انتخابات برگزار نشده و در جاهایی هم که برگزار شده–حتا در داخل شهرها– با تهدید و استقبال یأس‌آمیز مردم مواجه بوده است. در حالی که مشارکت و شفافیت از مهمترین ویژه‌گی‌های انتخابات باید باشد. اگر انتخاباتی از نظر مشارکت در سطح پایین قرار داشته باشد، پس چه کسانی از مردم نماینده‌گی خواهند کرد. ارگ و برخی گروه‌های قدرت‌طلب بازی خطرناکی را با انتخابات شروع کرده اند که تبعات آن می‌تواند برای کشور جنگ زدهٔ افغانستان سنگین تمام شود. پس باید بیدار بود و هوشیارانه در برابر چنین خواست‌هایی مقاومت نشان داد.

جنرال رازق

مردی که ناگهان قهرمان شد!

احمد عمران

در آستانهٔ انتخابات مجلس نماینده‌گان، افغانستان شاهد رویدادهایی بود که توجهِ اکثریتِ مردم را به خود معطوف داشت. نخستین رویدادِ تلخ پیش از برگزاری انتخابات، حملهٔ به جانِ جبار قهرمان یکی از معروف‌ترین چهره‌های نظامی و نامزد انتخابات در هلمند بود و دومین رویداد، حمله به مقام‌های قندهار بود که در نتیجهٔ آن، جنرال رازق، فرمانده پولیس قندهار و از چهره‌های معروفِ ضد طالبانی و رییس امنیتِ این شهر جان باختند. در این حادثه، والی قندهار زخمی شده است؛ اما از میان این افراد، شهادت جنرال رازق بیش از همه در فضای رسانه‌یی و مجازیِ کشور نگاه‌ها را به خود جلب کرده است. بسیاری‌ها در مورد او نوشتند و از او به نیکی و شایسته‌گی یاد کردند. تحلیل های متفاوتی نیز در این مورد ارایه شده که برخی می‌توانند محلِ بحث داشته باشد و برخی دیگر هم قابل تأمل و درنگ می‌باشد.

حملهٔ مرگبارِ قندهار پرسش‌های زیادی را دامن زده است؛ زیرا این حمله به دنبال نشستی انجام شد که میان جنرال میلر فرمانده نیروهای ناتو با این مقام‌ها صورت گرفت. سوال‌های اساسی نیز در میان بسیاری از تحلیل‌گران به همین موضوع اختصاص یافته که چرا یک پولیس نفوذی آن‌گونه که از سوی مقام‌های امنیتی کشور و طالبان اعلام گردیده، این افراد را مورد هدف قرار داده، درحالی‌که طالبان همواره اعلام کرده‌اند که جنگ این گروه با خارجی‌ها و به‌ویژه امریکایی‌ها است؟ پرسشِ دیگر این است که این پولیسِ نفوذیِ چگونه در چنین محلی حضور داشته، درحالی‌که در گذشته امریکایی‌ها به‌دلیلِ عدم اعتماد به نیروهای افغانستان، از حضور آن‌ها در اطراف خود جلوگیری می‌کردند؟ سوال دیگری که مطرح شده این است که چرا خلافِ آن‌چه که ادعا می‌شود، موضوع بحثِ جنرال میلر با مقامات به انتخابات ربط نداشته و به مسایلِ مرزی مربوط بوده است؟

سوال‌هایی از این دست زیاد می‌توانند وجود داشته باشند و تا یافتن صحت‌وسقم مسایل نباید بی‌حوصله‌گی کرد. در گذشته قتل‌هایی از این دست، هرگز چنان بررسی نشده‌اند که بتواند قناعت‌بخش تمام شود. جنرال رازق متأسفانه نخستین فرد از این نوع نیست و با توجه به وضعیتِ شکننده و پُرچالش کشور، آخرین هم نخواهد بود. هر زمانی که مشکلی از این نوع به‌وجود آمده، ارگ «کمیسیون بررسی» به‌وجود آورده و بدون آن‌که نتایج بررسی‌های چنین کمیسیون‌هایی مشخص شده باشد، پرونده در درازنای سال‌ها مدفون شده است. ولی پرسشِ مهم این است که قتل فرمانده رازق چرا واکنش‌های زیادی را برانگیخته است؟

او در زمانی به یک چهرهٔ ضد طالبانی و پاکستانی تبدیل شد که زمام‌داران کشور، در تلاش نزدیک شدن به این گروه به بهانهٔ گفت‌وگوهای صلح بودند. فرمانده رازق به یک‌باره‌گی از ولایتی برضد طالبان قیام کرد و سر برآورد که مقرِ اصلیِ طالبان در زمان سلطهٔ این گروه شناختهَ می‌شد. در آن زمان که هم‌ولایتی‌اش حامد کرزی رییس‌جمهوری پیشینِ کشور طالبان را «برادر» خطاب کرد، جنرال رازق گفت که هیچ برادری به نام طالب ندارد. او همچنین نگاه تند و بسیار انتقادی به پاکستان داشت. به همین دلیل، برخی تحلیل‌گران به این باورند که حملهٔ قندهار کارِ استخباراتِ پاکستان بوده است.

البته جنرال رازق از حملاتِ زیادی جان به سلامت برده بود و در مهم‌ترین حمله که دو سال پیش در ساختمان ولایت انجام شد و در نتیجهٔ آن شماری از شهروندان امارات متحد عربی کشته و مجروح شدند، آسیبی به او نرسید.

سه ویژه‌گی اصلیِ جنرال رازق، او را در میان مردمِ کشور چنین برجسته ساخته است:

۱ـ نگاه ضد پاکستانی و ضد طالبانی؛
۲ـ نزدیکی به گروه‌ها و جناح‌های مختلف سیاسی کشور و از جمله مقاومت‌گران سابق؛
۳ـ شجاعت بی‌اندازه.

فراموش نباید کرد که علیه جنرال رازق اتهام‌های زیادی نیز وجود داشت. برخی بررسی‌های نهادهای حقوق بشریِ جهان، او را به جنایاتِ ضد بشری متهم می‌کردند و حتا گزارش‌هایی نیز علیه او منتشر شده است. برخی‌ها نیز ثروتِ زیادِ او را از جمله نقاط ضعفِ او می‌دانستند. اما او با وجود این اتهام‌ها، بسیار ساده می‌زیست و تلاش می‌کرد که در میان مردم باشد.

در همین حال، او پس از به‌وجود آمدنِ حکومت وحدت ملی، از منتقدانِ ارگ به‌شمار می‌رفت و خلاف موقعیت اداری خود، با سیاست‌مردانی نزدیک بود که به مخالفانِ ارگ شهره بودند. در ضمن گفته می‌شود که نشستِ بزرگِ قندهار نیز که چند ماهِ قبل در این شهر برگزار شد، از حمایتِ مادی و معنویِ جنرال رازق برخوردار بوده است.

با همهٔ حرف‌های له و علیهِ جنرال رازق باید گفت که موجودیتِ او در ولایت قندهار و دیگر بخش‌های کشور، از اهمیت بالایی برخوردار بود. تأثیر او بر وضعیتِ امنیتیِ قندهار تنها محدود نمی‌شد، بلَ ولایت‌های دیگر جنوب کشور را هم در بر می‌گرفت. او برای بسیاری از افراد ضد طالبانی به عنوان یک الگو شمرده می‌شد. جنرال‌ها و فرماندهانِ زیادی در کشور تلاش می‌کردند که همچون او باشند؛ اما او در این میان، فردی خاص باقی ماند.

جنرال رازق با آن جثهٔ میانه، لباس ساده، کلاهِ وطنی و سرِ ناترس تا سال‌های زیادی در ذهن‌ها خواهد ماند و چه بسا که در نوشته‌های تاریخی از او و تلاش‌هایش به نیکی یادآوری شود. اما موضوع اصلی این‌جاست که باید روی عواملِ چنین حادثه‌یی بیشتر تمرکز کرد. نباید گذاشت که چنین پرونده‌هایی در خاموشی باقی بمانند. مردم باید بدانند که کی‌ها در عقبِ این حادثه و حادثه‌های مشابهِ آن قرار داشتند.

ارگ بیشترین مسوولیت را در این‌باره دارد. با فرستادن هیأت و انجام چند کار نمادین نمی‌توان جلو چنین حملاتی را گرفت و یا آن‌ها را متوقف کرد. نبود جنرال رازق برای امنیتِ کشور یک ضایعه باقی خواهد ماند و بسیاری‌ها از حالا نگران اند که پس از او دوباره قندهار و شهرهای جنوبی کشور به مراکز طالبان و گروه‌های ضدِ مردمی تبدیل شوند.

انتخاباتِ دو روزه‌یی مجلس نماینده‌گان پایان یافت

ابوبکر صدیق

روند رأی‌دهی برای انتخابات مجلس نماینده‌گان در روز دوم، یک‌شنبه ۲۹ میزان، در ۱۴ ولایت کشور در بیش از ۴۰۱ مرکز رأی‌دهی برگزار گردید.
کمیسیون انتخابات ناوقت شام شنبه اعلام کرد که براساس مشکلات پیش آمده ۴۰۱ مرکز انتخاباتی که روز شنبه در ۱۴ ولایت مسدود باقی مانده بود، این مراکز روز یک‌شنبه نیز به روی رأی‌دهنده‌گان باز خواهد بود.
از مجموع ۴۰۱ مرکزی که در آن روند رأی‌دهی برگزار نشده ۴۵ مرکز آن در کابل مسدود بوده است.
این در حالی است که حفیظ‌الله هاشمی، منشی کمیسیون مستقل انتخابات روز شنبه، ۲۸ میزان گفت: ازجمله ۵۵۴ مرکز رای‌دهی در ۳۶۰ مرکز آن مشکلات از قبیل ناوقت آغاز شدن روند رای‌دهی ، کارنکردن وسیله انگشت نگاری، آشنا نبودن کارمندان با وسیله انگشت نگاری و حتی میده کردن وسیله توسط افراد خشمگین و در آب انداختن این وسیله ازجمله چالش‌های بود که کارمندان و رای‌دهنده‌گان با آن مواجه بودند.
مسوولان در کمیسیون انتخابات تا وقت روز یک‌شنبه اعلام کردند که ۸۰ درصد آرا شمارش و آنان سرگرم شمارش ۲۰ درصد آرای دیگر هستند.
رهبران حکومت وحدت ملی، با استقبال از اشتراک شهروندان در روند انتخابات می‌گویند که اشتراک مردم در این روند به معنای نه گفتن به خشونت است.

❁ تغییر سرنوشت

رهبران حکومت وحدت ملی و شماری دیگر از مقامات عالی رتبه دولتی با حضور در مراکز رأی‌دهی در کابل، برگزاری انتخابات مجلس نماینده‌گان را یک روند موفق برای تغییر سرنوشت شهروندان خواندند.
محمد اشرف غنی، رییس حکومت وحدت ملی، هنگام ریختن رأی خود به صندوق گفت: این یک موفقیت بزرگی است که امروز شاهد آن هستیم. نیروهای امیتی تمامی تدابیر امنیتی را در سرتاسر کشور اتخاذ کرده‌اند.
آقای غنی افزود که برگزاری انتخابات یکی از موفقیت‌های حکومت وحدت ملی است.
هم‌چنان، عبدالله عبدالله رییس اجرایی حکومت وحدت ملی، پس از ریختن رأی در صندوق، از مردم خواست تا به گونهٔ گسترده در انتخابات شرکت کنند و به نامزد مورد نظر شان رأی بدهند.
آقای عبدالله گفت: برگزاری انتخابات مجلس نماینده‌گان یک قدم بزرگ برای آوردن تغییر در زنده‌گی باشنده‌گان کشور است.
رییس اجرایی در ادامه افزود که حضور مردم در مراکز رأی‌دهی و استفاده از حق رأی‌شان به معنای نه گفتن به خشونت است.
آقای عبدالله با اشاره به وضعیت امنیتی کشور نیز گفت که دشمنان افغانستان نمی‌خواهند در افغانستان یک نظام مشروع مبتنی بر رأی مردم حاکم باشد، آنان همواره مردم را آماج قرار می‌دهند.
از سویی هم، وزارت امور داخله می‌گوید: در مراکزی که روز شنبه انتخابات برگزار نشده بود، روز یک‌شنبه در فضای امن روند رأی‌دهی برگزار شد.
نجیب دانش، سخنگوی وزارت امور داخله، دیروز اعلام کرد: انتخابات امروز نیز مانند روز گذشته در فضای امن برگزار شد.
آقای دانش گفت: مواد انتخاباتی از آن دسته مراکزی که روز گذشته در آن‌ها انتخابات برگزار شده است، در حال انتقال به مراکز ولسوالی‌ها و ولایت‌ها است.
این در حالی است که مسوولان در کمیسیون انتخابات می‌گویند که دلیل اصلی بی‌نظمی‌ها در برخی از مراکز رأی‌دهی، ناظران نامزدان انتخاباتی بوده است.
ملیحه حسن، یکی از کمیشنران این کمیسیون، دلیل با تأخیر آغاز شدن روند رأی‌دهی در شماری از مراکز از جمله شهرک دوازده امام غرب کابل، بی‌نظمی‌های شماری از ناظران نامزدان انتخاباتی می‌داند.

❁ ۲۰۰ حمله

مسوولان کمیسیون کمیسیون انتخابات در یک نشست خبری گفتند: در برخی مناطق، زورمندان بدون در نظر داشت قانون و هُشدار پولیس و با استفاده از قدرت تلاش کرده‌اند که داخل مراکز انتخاباتی شوند و استفاده از سیستم انگشت‌نگاری که به منظور شفافیت این روند است جلوگیری کنند.
گلاجان عبدالبدیع صیاد، رییس کمیسیون انتخابات می‌گوید که همهٔ این عملکردها از طرف نهادهای مسوول مورد بررسی قرار می‌گیرد و صندوق‌های رأیی که از این طریق پُر شده باشند باطل اعلام خواهد شد.
آقای صیاد تایید کرد که در برخی مراکز رأی‌دهی بی‌نظمی صورت گرفته، اما گفت که تلاش نهایی صورت می‌گیرد تا انتخابات مجلس نماینده‌گان به‌گونهٔ شفاف برگزار گردد.
این در حالی است که پس آغاز روند رأی‌دهی برای انتخابات مجلس نماینده‌گان در ۲۸ میزان، کابل گواه بیش از ده انفجار و حملات انتحاری بود. مقام‌های امنیتی کابل گفته‌اند که در نتیجه یک انفجار در ناحیه هفدم امنیتی در منطقهٔ کوتل خیرخانه، ۱۰ فرد ملکی کشته و ۵ نظامی کشته شده‌اند. بر بنیاد برخی گزارش‌ها، در این انفجارها ۶۵ تن دیگر زخمی شده‌اند.
افزون بر این مقامات در وزارت داخله اعلام کردند که نزدیک به ۲۰۰ حادثهٔ امنیتی در روز نخست انتخابات به وقوع پیوسته است که در نتیجهٔ آن، ۳۶ تن کشته و حدود ۱۲۰ تن دیگر زخمی شدند.
هم‌چنان، مسوولان ادارهٔ محلی غور نیز می‌گویند که در نتیجهٔ حملهٔ طالبان بر مراکز رأی‌دهی در این ولایت ۸ تن کشته و ۶ تن دیگر زخمی شده‌اند.
عبدالحی خطیبی، سخنگوی والی غور گفت که طالبان در قسمت‌های از شهر فیروزکوه، مرکز این ولایت و ولسوالی‌های پسابند، دولینه، چهار سده و دولت‌یار برای رأی دادن محدودیت وضع کرده بودند.
آقای خطیبی افزود: «طالبان در راه‌ها کمین گرفته بودند و هُشدار داده بودند که هر کس که در انتخابات شرکت کنند، مورد لت و کوب، جریمه و حتا جانش را از دست خواهد داد».

بازداشت ۶۰ مداخله‌گر

مسوولان وزارت امور داخله اعلام کرده اند که از آغاز روند رأی‌دهی انتخابات پارلمانی کشور ۶۰ نفر به شمول کارمندان دولتی در پیوند به مداخله در انتخابات بازداشت شده‌اند.
نجیب دانش، معاون سخنگوی وزارت امور داخله، می‌گوید که ۴۰ تن از این افراد از مربوطات ولایت کابل بازداشت شده‌اند.
به گفتهٔ سخنگوی وزارت داخله: «به اساس گزارش پولیس، تا اکنون ۶۰ تن به شمول افراد حکومتی (ملکی و نظامی) از سراسر کشور، به اتهام مداخله در امور انتخابات، از سوی پولیس شناسایی و بازداشت گردیده که بیش از ۴۰ تن این افراد تنها از مربوطات کابل شناسایی و بازداشت شده اند.»
او می‌گوید که اسناد لازم دربارهٔ یک شمار افراد زورگو که قصد داشتند به نفع یا زیان نامزد مشخص کار کنند، جمع‌آوری شده است.
مسوولان در وزارت امور داخله همچنان گفته اند که با آنعده از مسولان امنیتی که در امور انتخابات مداخله کرده اند و اسناد و مدارک مبنی بر مداخلهٔ آنان وجود داشته باشد مطابق به قانون، برخورد جدی و قانونی صورت می‌گیرد.

❁ هزاران شکایت

مسوولان در کمیسیون شکایات انتخاباتی می‌گویند که این کمیسیون تاکنون هزاران اعتراض را از روند رأی‌دهی انتخابات پارلمانی دریافت کرده است.
علی‌رضا روحانی، سخنگوی کمیسیون شکایات انتخاباتی می‌گوید که مشکلات در روند انتخاباتی بسیار زیاد بوده است.
آقای روحانی خاطر نشان کرد: از دیروز {شنبه، ۲۸ میزان} تا روز دوم انتخابات هزاران اعتراض به این کمیسیون رسیده است، اما هنوز زود است که این اعتراضات را به عنوان شکایت ثبت شوند.
آقای روحانی علاوه کرد اعتراضات و مشکلات از روند انتخابات زمانی به عنوان شکایت خواهد شد که دلایل کافی برای آن داشته و زمان و مکان آن نیز مشخص باشد.
به گفتهٔ آقای روحانی بیشترین اعتراضات از ولایات کابل، بلخ، هرات، بغلان، ننگرهار، لوگر، هلمند بوده است که تنها از کابل ۱۷۰۰ اعتراض به این کمیسیون رسیده است.
به اساس معلومات کمیسیون شکایات انتخاباتی، کمترین اعتراضات از ولایات ارزگان، دایکندی، خوست و لغمان بوده است.
انتخابات برای مجلس نماینده‌گان در ۲۸ میزان در ۳۲ ولایت آغاز گردید، اما به دلیل یک‌سری از چالش‌ها و کُندی در این روند، برگزاری تا دو روز ادامه یافت. کمیسیون انتخابات گفته که بیش از ۸ میلیون تن در انتخابات ثبت نام کرده‌اند و اما گفته می‌شود که در ورز اول بیش از سه میلیون تن رأی خود را به صندوق‌ها ریخته‌اند.

قدردانی یوناما از مردم و کمیسیون انتخابات

دفتر نماینده‌گی سازمان ملل متحد در افغانستان(یوناما) حضور گستردهٔ مردم در پای صندوق‌های رأی را نشان از مسوولیت‌شناسی آنان خوانده و تمجید کرده است.
در یک بیانیه دفتر یوناما در این مورد آمده که از سال ۲۰۰۱ میلادی به این‌سو این انتخابات نخستین روندی است که توسط شهروندان افغانستان رهبری می‌شود و یک نقطهٔ عطف در رفتن افغانستان به سوی خودکفایی و ثبات است.
یوناما تأکیده کرده است: «میلیون‌ها شهروند افغانستان با پذیرفتن تهدیدهای امنیتی و مشکلات ناشی از مدیریت تخنیکی انتخابات، ساعت‌های زیاد منتظر ماندند تا برای یک آینده بهتر رأی بدهند. این رأی‌دهنده‌گان که مسوولیت مدنی‌شان را ادا کردند، قابل تمجید اند.»
از سوی دیگر، مأموریت سازمان ملل متحد در افغانستان اقدام به موقع مسوولان انتخابات برای به‌دست آوردن اطمینان از این‌که هیچ رأی‌دهنده‌یی از حق رأی‌دهی‌اش به دلیل مشکلات فنی باز نماند را ستایش کرد.
یوناما با توجه به تعویق افتادن انتخابات به علت رویدادهای امنیتی اخیر در قندهار، خاطرنشان کرده که ترتیبات مورد نظر به هدف توان‌مندسازی شهروندان این ولایت برای رأی‌دهی روز شنبه آینده را زیر نظر دارد.
این سازمان همچنان می‌گوید که اقدام‌های مقام‌های انتخابات در برابر تقلب و حضور نزدیک به چهارصد هزار ناظر و نماینده‌گان نامزدان و همچنان ناظران احزاب سیاسی برای تأمین شفافیت انتخابات را از نزدیک زیر نظر دارد.
یوناما همچنان از مقام‌ها و دست‌اندرکاران کشور به شمول احزاب سیاسی، دولت، نامزدان و ادارات امنیتی، می‌خواهد که تعهدشان را برای پاسداری و اتمام روند انتخابات، صیانت از اعتبار و همچنان زمان‌بندی اقدامات یادشده و اعلام نتایج انتخابات، به نمایش بگذارند.
هم‌چنان، سفیر بریتانیا در کابل، هنگام بازدید از یک مرکز رأی‌دهی، حضور گستردهٔ مردم را در انتخابات ستایش کرد.
نیکولاس کی، سفیر بریتانیا در کابل می‌گوید که انتخابات در اوضاع دشواری برگزار شده است و این یک دست‌آورد بزرگ به نیروهای امنیتی افغانستان است.
به گفتهٔ او، فعالیت نیروهای امنیتی- دفاعی افغانستان در تأمین امنیت انتخابات قابل ستایش است.

بنیاد اخلاق بر عقل استوار است یا بر نقل؟

نویسنده: محمد عابد الجابری/-/-/-/-/-/-/-/-/ مترجم: عبدالفتاح اطهر/-/-/-/-/-/-/-/-/-/-/-/-/-/-/-/-/ بخش سوم

در میراث فارسی خرد و فرزانه‌گی به زبان پادشاهان، وزیران، ادیبان و روحانیان ستایش می‌شود؛ چنان‌که کتاب‌ها و منابع تخصصی زبان و ادبِ عربی مملو از آن است. در این‌جا به پاره‌یی از سخنان ابن مقفع بسنده می‌کنیم. او نمایندهٔ برجستهٔ میراث فارسی در فرهنگ عربی است.

ابن مقفع، کتابِ خود «الأدب الصغیر» را با این بیان می‌آغازد:

۱) «هر موجودی نیازمند است. هر نیازی برای برآوردن غرضی است. و هر غرضی راهی دارد. از این‌رو هدف مردم و نیازهای‌شان صلاح معاش و معاد است. و راه درک آن، عقل سالم است.

۲) عقل خوی و سرشتی دارد که با آن پذیرای ادب است. با ادب‌ورزی عقل رشد می‌کند و صیقل می‌بیند. خرد به دانهٔ نهفته در زمین می‌ماند که توانایی دور کردن خشکی، قدرت‌نمایی و سربرآوردن از زمین را ندارد و رویش و گل دادن و شادابی و رشد آن جز به مدد آبی که به ریشه‌های آن می‌رود، ممکن نیست. به این صورت، خشکی و مرگ از میان می‌رود و به اذن خدا تازه‌گی و زنده‌گی پدید می‌آید. همچنین است سرشت عقل که نهفته در قلب است. عقل نیرو و زنده‌گی و سودی ندارد مگر آن‌گاه که ادب آموزد؛ ادبی که پویایی و و زنده‌گی و باروری عقل وابسته بدان است.

۳) بخش بزرگی از ادب، سخندانی است و همهٔ سخندانی به آموزش به‌دست می‌آید. حروف الفبا و نام‌های اشیاء به واسطهٔ نقل و تعلیم از کلام یا کتاب امام سابق أخذ شده است. و این خود دلیلی‌ست بر این‌که انسان‌ها اصول علم را پایه‌گذاری نکرده‌اند و آن‌چه دارند، از جانب خدای علیم و حکیم است".

ابن مقفع به سه نکته در دیباچهٔ کتاب خود می‌پردازد: نخست این‌که عقل سالم راهی برای درک و تحصیل نیازهای آدمی در معاش و معاد است. دوم این‌که عقل، سرشتی دارد که محتاج پرورش و تربیت است مانند دانه‌یی که به تغذیه نیاز دارد. سوم این‌که غذای عقل، ادب است، و ادب در اصطلاح ابن مقفع چنان‌که پیش از این دیدیم، نطقی است که فضیلت اخلاقی را برمی‌انگیزد و از کلام یا کتاب امام سابق گرفته می‌شود. بدین ترتیب، غذای عقل که صلاح دنیا و عقبا وابسته به آن است، امری نیست که ابداع کسی باشد بلکه از راه نقل و روایت از کلام یا کتاب امام سابق به‌دست‌می‌آید. در نتیجه ابن مقفع به غرض تهیهٔ غذای عقل اخلاقی ـ که صلاح و فلاح معاش و معاد وابسته به آن است ـ کتاب خود را تألیف می‌کند و می‌گوید: "این کتاب را از سخن برجامانده‌ٔ پیشینیان ـ که در آن کلماتی برای آبادانی و صیقل دل‌ها، روشنی چشمان، احیاء اندیشه، اقامهٔ تدبیر و دلیلی برای امور پسندیده و مکارم اخلاق است ـ تألیف کردم" .

در این‌جا میراث فارسی با میراث تازی در مرز عقل اخلاقی به‌هم می‌پیوندند. عقل اخلاقی‌یی که مبنای اخلاق است، عقل ذاتی و فردی نیست، بلکه عقل موضوعی و جمعی است. میراث ادبی حامل روایات، اقوال، حکم و امثالی است که عصارهٔ تجارب پیشینیان را به پسینیان منتقل می‌کند. از این‌رو باید گفت مبنای اخلاق در میراث فارسی عقل مسکن‌گزیده در این میراث است که ناشی از نظام ارزشی حاکم می‌باشد. هنگامی که به تحلیل و بررسیِ نظام ارزشی میراث فارسی پرداختیم، از نخستین وظایفِ ما کشف ماهیت ارزش‌هایی‌ست که عقل این میراث را تشکیل می‌دهد.

میراث یونانی

میراث اخلاقی یونانی که حضور چشم‌گیری در فرهنگ عربی دارد، آمیزه‌یی از آرا و نظریات افلاطون و ارسطو و جالینوس است. مطابق دیدگاه آنان، مبنای اخلاق عقل است. آن‌چه از آرای آنان مورد توجه ماست، نظریات‌شان در باب عقل است؛ به ویژه عناصری که نقطه‌نظر هرکدام از سه فیلسوف بزرگ را در اخلاق تأسیس می‌کند. با علم به این نکته که آرا و نظریات عرضه شدهٔ آنان در فرهنگ عربی در قیاس با کتاب‌های‌شان جز در کمیت اختلافی ندارند.

نظریهٔ افلاطون راجع به قوای نفس، آنسان که در فرهنگ عربی از میراث یونانی راستین منقول است، اندیشه‌محوری تفکر اخلاقی افلاطون را مختصراً بیان می‌کند. این نظریه را جالینوس از افلاطون اقتباس کرده و می‌افزاید: نفس، جایگاه کشمکش سه قوه است: یک، قوهٔ شهویه که مرکز آن بطن است و دائماً لذت‌جوست. دو، قوهٔ غضبیه، جایگاه آن قلب است و از غضب و قهر و اوصاف دیگر تأثیر می‌پذیرد. سه، قوهٔ عاقله که در سر موقعیت دارد و کارکرد آن معرفت است. هرکدام از این قوای سه‌گانه که «نفوس» نیز نامیده می‌شوند، واجد فضیلت خاصی هستند: فضیلت قوهٔ شهویه، عفت، فضیلت قوهٔ غضبیه، شجاعت و فضیلت قوهٔ عاقله، حکمت و معرفت می‌باشد. به طور کلی، برای آدمی زیست اخلاقی فضیلت‌مدار وقتی حاصل می‌شود که همهٔ این قوا تحت فرمانروایی حکیمانهٔ قوه عاقله باشند. فضیلت برتر که همان عدالت است جز با تحکیم عقل تحقق پیدا نمی‌کند. در نتیجه، عقل به این شکل مبنای اخلاق قرار می‌گیرد.

در همین حد، معظم ادبیات اخلاقی متعلق به میراث یونانی ـ افلاطونی در فرهنگ عربی بازمی‌ایستد و فارابی تنها کسی‌ست که با افلاطون این راه را به پایان می‌برد.

فارابی، حکمتی را که افلاطون فضیلت خاصهٔ عقل می‌دانست، معرفت شامل و کامل و صاحبِ آن را فیلسوف خواند: از آن‌جا که زیست آدمیِ به‌تنهایی ممکن نیست و گزیر و گریزی از زنده‌گی اجتماعی ندارد، چه هر کسی ضرورت‌ها و نیازهای خود را به واسطهٔ دیگری تأمین می‌کند؛ لذا لازم است جهت سامان‌دهی امور حیات اجتماعی نیرو و حاکمیتی بر جامعه نظارت داشته باشد. برای این‌که امور جامعه به سامان آید و اهل آن زیستِ فضیلت‌مدار داشته باشند، باید رهبرانی پرورش داد که مسوولیت امور اجتماعی را به عهده گیرند. این مسوولان «حافظان و نگهبانان» نظام اجتماعی‌اند که از رهگذر آموزش و پرورش آمادهٔ پذیرش مسوولیت می‌شوند. چنین جامعه‌یی مدینهٔ فاضله است و باید در رأس تدبیر امور آن، کسی قرار گیرد که با معرفت گسترده از دیگران متمایز باشد. این شخص، همان فیلسوف است.

فارابی با الهام از تجربهٔ تمدن اسلامی، پیامبر اکرم علیه السلام را فیلسوف مدینهٔ فاضله می‌داند.

آن‌چه بیان شد در باب اندیشه‌محوری افلاطون بود آن‌سان که در فرهنگ عربی متداول است. اما تفکر مرکزی ارسطویی رایج در فرهنگ عربی، تعریف وی راجع به فضیلت است: فضیلت حد وسط میان دو رذیلت است. بر این اساس، شجاعت حد وسط بین تهور و جبن است و کرم و بخشش حد وسط بین بخل و تبذیر است و... . در این‌جا مراد از حد وسط، حد وسط مشخصی نیست بلکه در هر حالتی حد وسط تغییر می‌پذیرد. از این رو تشخیص آن به واسطهٔ عقل در هر حالتی لازم و ضروری است. عقل تشخیص‌دهندهٔ حد وسط، عقل عملی است و قِوام آن به دقتِ نظر و به‌کارگیری مهارت و تجربه می‌باشد. قلمرو عَقل عملی، عرصهٔ معرفت یقینی و ضروری نیست. در این قلمرو مجالی برای برهان نیست بلکه میدان معرفت ترجیحی است؛ زیرا این معرفت مبتنی بر استقراء و سبک و سنگین کردنِ امور است.

بنابراین مبنای اخلاق در میراث یونانی افلاطونی ـ ارسطویی، عقلی است که در عین زمان معرفت و تجربه نیز هست. آن‌چه گفته آمد، اجمالاً در مکتوبات عربی یافت می‌شود؛ اما آن‌چه به طور عموم در فرهنگ عربی مفقود بوده، ایجاد یک قوهٔ متحرک و پویا از این عقل است که موجب تحلیل و بحث و بررسی فلسفی شود؛ قوهٔ متحرک و پویایی که در چهارچوب دیالوگ‌های افلاطونی و به شکل سلسله‌استدلال‌ها و شکوک و راه‌حل‌هایی ارسطویی تبارز کند.

به این شکل، به همان میزان که «عقل اخلاقی» در نزد افلاطون و ارسطو از پویایی و جنب‌وجوش و تکاپو و دادوستد برخوردار است، به همان میزان در میراث منسوب به آنان در فرهنگ عربی به عقل ساکن و جامد و خطابی تغییر می‌یابد.

میراث صوفیه

وقتی به میراث صوفیه منتقل می‌شویم، خود را در برابر نوع خاصی از «اخلاق» می‌یابیم که صوفیان از آن به «آداب سلوک» تعبیر می‌کنند. صوفیان هیچ کدام خود را عاقل توصیف نمی‌کنند، بلکه به جای آن خود را عارف می‌نامند. از این‌رو اینان اهل عرفان‌اند و نه اصحاب برهان. پیش از این‌که صوفی به درجات عالی عرفان برسد، به گونه‌یی که مدعی «کشف تام الهی» و «فناء فی الله» شود، لازم است تا از نردبان سلوک فراز آید. در این صورت به او نام «سالک»، «مرید» یا «مرید سالک» اطلاق می‌شود که هر دو نام تقریباً معنای یک‌سانی دارند.

پس اخلاق صوفیانه، اخلاق مرید است و مرید کسی است که دارای اراده است، چنان‌که عاقل صاحب عقل است. در این معنا عالِم کاملاً در برابر عارف قرار می‌گیرد. در بابِ معنای اراده، صوفیان اقوال مختلفی دارند که همهٔ آن‌ها در محور یک فکر می‌چرخد و آن عبارت است از «اقبال کلی به حق و اعراض از خلق می‌باشد». اقبال به حق از طریق ریاضت و مجاهده حاصل می‌شود که هدف از آن، تطهیر نفس است از شهوات و لذات و هر آن‌چه به سوی دنیا می‌کشد. این ریاضت‌ها و مجاهدت‌ها با التزام به آداب خاصی صورت می‌گیرند.

بر این اساس بایست گفت، مبنای اخلاق نزد صوفیه اراده است. درست است که اراده در هر رفتار اخلاقی مطلوب و حساب‌شده وجود دارد، اما باید تفکیک کرد بین اراده به معنای عام که قِوام آن گرایش به چیزی است که گمان می‌رود در آن چیز، سود، لذت یا خیری وجود دارد و میان معنای خاص اراده که منحصر به اقبال کُلی به حق است. آن‌چه لزوماً از مرید خواسته می‌شود، بازداشتن نفس از خواهش‌های نفسانی است یا به تعبیر دیگر، منع نفس از اقبال به غیر.

نمودهای جادویِ تقابل در آیینه لیداسال آستوریاس

جواد اسحاقیان

-/-/-/-/-/-/-/-/-/-/-/-/- بخش دوم و پایانی

این باور که گویا پوشیدنِ لباس شاهزادهٔ قهرمان جشن، راز گفتن با آن و شبانی را تا صبح با آن گذراندن می‌تواند مانند «مهر گیاه» پوشندهٔ لباس را بر سرِ مهر آورد و وی را به ازدواج با «لیداسال» برانگیزد، البته باوری فراطبیعی است. بنیتو ـ که در این داستان نقشی چون «ناوال»ها و جادوگران ایفا می‌کند ـ به دختر جوان اندرز می‌دهد: «دخترم، تو باید چندین شب با این لباس بخوابی تا خواب به سحر و جادوی تو آلوده [آغشته] شود. می‌دانی هرکس در خواب، یک جادوگر می‌شود. وقتی که پسر، لباس را در جشن عذرای مقدس به تن کرد، ناگهان وجود ترا در درون خود احساس می‌کند و به دنبال تو راه می‌افتد و دیگر نخواهد توانست یک آن، بی‌تو زنده‌گی کند.» (ص۱۱۹). مادر «فلی پیتو» به کاربرد این تجربهٔ سحرآمیز ایمان دارد و درستی این باور را عملاً آزموده است: «آن‌شب پتر آنخلا نتوانست بخوابد. از قعر وجدانش ناگهان شب‌هایی بیرون جستند که او واقعاً تماس لباس قهرمان جشن را با بدن خود حس می‌کرد؛ همان لباسی که فلیپ الویسورس در سی سال پیش بایست در جشن عذرای مقدس بر تن کند. البته لازم می‌دید که در حضور پسر با گفته‌های شوهر مخالفت کند، چون که این از رازهایی است که نباید بر فرزندان فاش شود.» (ص۱۲۳ـ۱۲۲)

کارناوالی که قرار است با شرکت ده‌ها رقصنده، شاهزادهٔ جشن، نقاب‌داران، نگهبانان کلیسا و با رقص و آواز و صدای طبل‌ها و شیپورها طول خیابان‌های روستا را بپیمایند، رفتاری جادویی است: «شلوار کوتاه نگهبانان کلیسا، جوشن مقرب درگاه خدا، کلیجهٔ کوتاه گاوبازان و با این لباس، چکمه‌ها، یراق‌ها، منگوله‌های طلایی، دکمه‌ها، حمایل زرین، پولک‌ها، مرواریدهای شیشه‌یی قهرمانان جشن چون خورشید در میان مردم نقاب‌دار می‌درخشیدند؛ مردمی که با ماسک‌ها و لباس‌های مبدل شمایل مریم عذرا را با خود حمل می‌کردند و کوچه‌های قریه را از کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین آن‌ها زیر پا می‌گذاردند و همه کس در آستانهٔ خانهٔ خود برای تماشای دسته‌ها و شمایل بانوی بزرگ‌شان می‌ایستادند.» (ص۱۲۰)

چنان‌که از این وصف برمی‌آید، همان رقص‌های آیینی با مفاهیم اسطوره‌یی قوم مایا با برخی از عناصر آیین مسیحیت کاتولیک به‌هم آمیخته و بیننده می‌تواند روح زندهٔ باورهای آیینی پیشاکلمبی را در کالبد آیین تازه احساس کند. رقص به این اعتبار به قول ویکتور سانچس، مردم‌نگار برجستهٔ مکزیکی، نوعی «سماع یا رقص مطهّر کننده» به شمار می‌رود و «به مردمان اجازه می‌دهد حیطهٔ گستردهٔ ادراک را تجربه کنند؛ حیطه‌یی بسیار گسترده‌تر از آن‌چه معمولاً فرهنگ دنیای مدرن غربی اجازه می‌دهد.» (۸) کارناوال و رقص‌های دلالت‌گر آن در فرهنگ قوم مایا، کوششی برای رسیدن به یگانه‌گی میان تن و روح، انسان و طبیعت و زمین و آسمان است. در یک منبع انترنتی دربارهٔ جشنوارهٔ قومی و ملی گواتمالا از قول یک نفر کشیش مایایی در جشن باکرهٔ ماسک‌ها (Virgil of Masks) به نیّت ارشاد معنوی و سلامت رقصنده‌گان آمده است: «بگذاریم قلوب آنان همانند سوسن سفید، میخک صدپر، زنبق دره، گل نرگس و سنبل هندی لطیف و عطرآگین شود.» و در ادامهٔ آن مقاله می‌خوانیم: «گام‌های رقصنده‌گان، عوالم جسمانی و روحانی را به‌هم پیوند می‌دهد و در عرض زمان به همان سنت‌های روحانی و زیبایی‌شناختی پیشاهسپانیه‌یی «گل و ترانه» باز می‌گردند.» (۹)

٤. تقابل میان فقر و ثروت: در این داستان، شخصیت‌ها در دو قطب اجتماعی و طبقاتی متضاد قرار دارند: بنیتو خوخون و لیداسال رمزی از فقر اجتماعی و فلی پیتو و پدر و مادرش، رمزی از تنعم طبقاتی‌اند. لباس بنیتوی کور و گدا معرّف نیازمندی اقتصادی اوست: «کتی که از شدت رفو و وصله خورده‌گی، چیزی جز یک تکهٔ بزرگ وصله نبود.» (ص۱۱۰) او وقتی به خانهٔ دون فلیپ می‌رود، می‌خواهد برای اظهار بنده‌گی، دست دونیا پترونیلا را ببوسد (ص۱۱۳) و لیداسال دور از چشم صاحب مسافرخانه، با غذا از او پذیرایی می‌کند. (ص۱۱۸) چند دقیقه ماندن در خانهٔ مرد متنعم، فرصت مناسبی برای سورچرانی اوست و از گفتن این استدعای عاجزانه، کوتاهی نمی‌کند که «یک شکم دارم که باید سیر شود و یک لباس که خرج دارد و شما خوب می‌دانید که همین خوراک و پوشاک است که همیشه مزاحم انسان است.» (ص۱۱۵)

لیدا سال، در تنها مسافرخانهٔ محقر ظرف‌شویی می‌کند و مزدی اندک می‌گیرد: «سخت‌ترین کارها، تمیز کردن روغن‌داغ‌کن‌ها، تابه‌ها و دیگ‌ها بود. چه بدبختی! باید به زور سیم ظرف‌شویی، ته دیگ‌ها را بتراشد؛ چربی‌ها را بکند و ته دیگ‌ها را از دوده پاک کند.» (ص۱۲۹) و از آن‌جا که تهیهٔ لباس برای جشن، تنها فکر و ذکر اوست، از شستن باز می‌ماند و پیامد آن را نیز هم باید برتابد: «دست محکم زن صاحب رستوران بر موهای لیداسال فرود آمد: کرم لعنتی! خجالت نمی‌کشی با این همه ظرف نشسته، روزهاست که مثل دیوانه‌ها آشفته هستی و با این دست‌ها هیچ کار انجام نمی‌دهی. دختر دورگه همچنان ساکت ماند و گذاشت تا ارباب، زلف‌های پریشانش را بکشد و بازوهایش را نیشگون بگیرد. لحظه‌یی بعد مثل این‌که بر اثر سحر و جادو

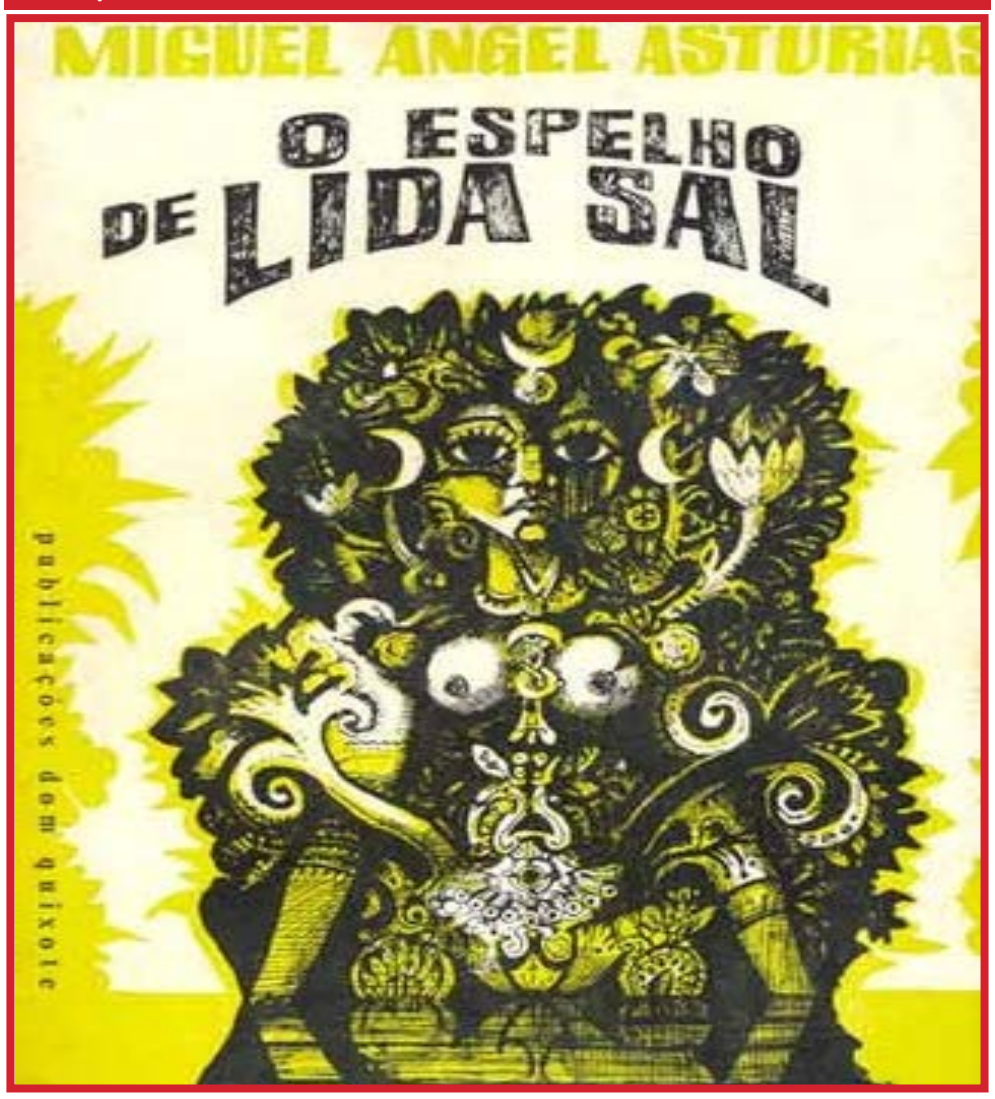

مشاجره قطع شد، اما کار بدتر شد: موعظه و سرزنش را شروع کرد که کم‌تر قابل تحمل بود تا آن لحن خشم‌آلود نامفهوم.» (ص۱۲۸)

در برابر، وصفی که از صرف غذا و همراه با آرامش خاطر در خانهٔ دون فلیپ الویسورس آمده، از تنعم و جمعیت خاطر اعضای خانوادهٔ او حکایت می‌کند. «هر سه با دندان‌های نوک تیزشان، ران جوجه را تکه‌تکه می‌کردند و با سرکشیدن یک لیوان بزرگ و بلورین آب، به فرو دادن ساقه‌های سرخ سبزی خوش‌مزه کمک می‌کردند... پتر آنخلا با خشنودی به صورت و حرکات شوهر چشم دوخته بود تا بداند که آیا باید پیش‌خدمت را صدا کند تا خوراک بعد را بیاورد.» (ص۱۰۷ـ۱۰٦) با این‌همه، آسیب فقر جبران ناشدنی است. برای آن‌که جادوی لیداسال باطل نشود، باید خود را با لباس جادویی در آیینه‌یی قدنما ببیند و او در مسافرخانه چنین آیینه‌یی نمی‌بیند. ناگزیز باید در پی چیزی مشابه برآید و آن، دیدن خود با لباس جادویی در آب قدنمای دریاچه‌یی در جنگلی تاریک در نزدیکی روستاست. لیداسال البته موفق می‌شود به دریاچه برسد، اما هنگام تماشای خود در آب، ناگهان لغزیده در دریاچه می‌افتد و غرق می‌شود: «حال همان دختر دورگه‌یی شده بود که برای زنده‌گی مبارزه می‌کرد... این چشمانش بود؛ آن دو اضطراب عظیم که آخر از همه بسته شد. چشم‌هایی که به خوبی کناره‌های آن دریاچهٔ کوچک را می‌دید؛ دریاچه‌یی که پس از آن به «آینهٔ لیدا سال» معروف گشت.» (ص۱۳۳ـ۱۳۲)

۵. تقابل میان زن و مرد: سیمای زن در این داستان، غرور برانگیز، متعالی، سخت‌کوش و خودساخته است. آستوریاس «دونیا پترونیلا» را در برابر شوهرش «دون فلیپ» قرار می‌دهد و با نوعی تقابل‌سازی، می‌کوشد از زن سیمایی آرمانی ترسیم کند. زن با این که آبستن است، دمی از پرداختن به خانه‌داری باز نمی‌ماند: «ملافه‌های تخت‌ها پیوسته شسته و تمیز است. پاکیزه‌گی بر سراسر اتاق‌ها، حیاط‌ها و راهروها حکم‌فرماست. نگاهی سریع به آشپزخانه می‌اندازد؛ به اجاق و خیاطی دستی می‌برد و آمد و رفت مداومش را به سرطویله، به آسیاب ذرت و کاکایو، به انبار، به مرغدان‌ها، به باغ‌ها، به رختشوی‌خانه، به آبدارخانه نیز به سایر کارها می‌افزاید... فلیپ الویسورس مردی تنومند است و همین امر موجب کندیِ حرکاتش می‌شود... به زحمت می‌تواند دو کلمه را با هم جور کند و چنان این کار برایش دشوار است که گویی باید کلمه‌ها را از دورترین نقاط پیدا کند و پهلوی هم بچیند. دون فلیپ در هر کاری چه بدنی و چه فکری، به وقت فراوان احتیاج دارد... و اگر آن لحظهٔ شوم آخرین فرا رسد، در آن هنگام هم عزراییل ـ اگر قبلاً به او فرمان نداده باشد تا خود را برای مرگ آماده کند ـ هرگز نخواهد توانست به سرعت او را با خود ببرد.» (ص۱۰۵)

اما این‌ها تنها موارد تقابل این زن و شوهر نیست. هر دو تن هم‌سال‌اند؛ با این‌همه از نظر روحی با هم اختلافات زیادی دارند. شوهر اعتقاد دارد که مرد پس از ازدواج، خنده را پسِ پشت می‌نهد و به پسر خود سفارش می‌کند اگر می‌خواهد بخندد، بکوشد هرچه دیرتر ازدواج کند: «ما مردان متأهل دیگر نمی‌خندیم؛ ما ادای خنده را درمی‌آوریم... خنده از مختصات مردان عزب است.» (ص۱۲۲) در حالی که همسرش اعتقاد دارد «خنده خاص جوانان است؛ چه عزب باشند چه زن‌دار.» (ص۱۲۲) در لحظات استراحت، حرکات و سکنات زن و شوهر نیز متفاوت است. زن روی چوکی متحرک، پیوسته تکان می‌خورد: «پتر آنخلا در حالی که گاه‌گاه یکی از پاهای ریزه‌اش را بر زمین تکیه می‌داد، تاب می‌خورد.» (ص۱۰۷) در حالی که شوهر روی تاب می‌نشیند و حرکتی از خود ندارد، زن اعتقاد دارد که اگر در خانه کار نکند، طفلی که در شکم دارد، تنبل بار می‌آید (ص۱۰۵) ولی شوهر از کار کردن زنش خشمگین می‌شود، زیرا میل دارد همسرش سراسر روز را در حال نشستن یا استراحت بگذراند. (ص۱۰٤) وقتی بنیتو برای پیشنهاد قبول یا رد فلی پیتو برای شاهزاده‌گی جشن به نزد این خانواده می‌آید، پدر منفعل است و قبول یا رد پیشنهاد را به پسر خود وامی‌گذارد، در حالی که مادر بی‌درنگ آن را می‌پذیرد و انگیزهٔ او در این قبول، عمدتاً ایمان دینی است که شوهر نمی‌تواند آن را انکار کند. همین اعتقاد زن به باورهای مذهبی، شوهر را از مخالفت با پیشنهاد بنیتو باز می‌دارد: «خوب که فکر کرده بود، از دیدن پسرش در آن لباس پر زرق و برق احساس رضایت نکرد، اما چه‌گونه می‌توانست مخالفت کند؛ زیرا در این صورت، احساس ایمان و مذهب پتر آنخلا را ـ که در آن هنگام بیدارتر از همیشه بود ـ سرکوب می‌کرد.» (ص۱۲۱ـ۱۲۰)

باید افزود که همسر دون فلیپ از طبقهٔ مرفه اجتماعی نیست. او نیز چون لیدا سال، از دختران فقیری بوده که تنها با جادوی لباس جشن توانسته شوهر متنعمی پیدا کند. آن‌چه این ادعا را ثابت می‌کند، این است که وی چون لیداسال در خانهٔ خود آیینهٔ قدنما نداشته تا خود را با لباس سحرآمیزش در آن ببیند؛ ناگزیر آن لباس جادویی را هفت شب تمام به تن کرده با آن می‌خوابد و برای آن که افسون لباس باطل نشود، در شب زفاف هم آن را زیر لباس عروسی به تن می‌کند و به قول بنیتو، فقط «به این دلیل که جادو را از خود خشنود و مراسم را کاملاً اجرا کند.» (ص۱۲٦)

٦. تقابل میان کوری و فرابینی: درست است که بنیتو در این داستان، کور مادرزاد نیست و در بزرگی به علت بیماری، بینایی خود را از دست داده (ص۱۲٦) با این‌همه آستوریاس از تأکید بر کوری و فقر وی، نیتی خاص دارد. بنیتو در این داستان تنها یک شخصیت فرعی، حاشیه‌یی و بی‌اهمیت نیست؛ او رمزی از «شمن»ها، «ناوال»ها یا روحانیان سرخ‌پوست است که در روزگار فراموشی آیین‌های قومی مایا اصرار دارد آن‌ها را زنده نگاه دارد و به همین دلیل به فالو تریو ـ که اعتقاد دارد «عصر این عقاید کهنه گذشته است» ـ می‌گوید: «بله، بله، به من واگذار کنید. در این صورت نخواهم گذاشت که آداب و رسوم ما از میان برود.» (ص۱۰۹) اگر خانوادهٔ متنعم دون فلیپ از این کور درویش‌مسلک پذیرایی می‌کنند و حرمتش می‌نهند، به دلیل فرابینی اوست. کوری او مانع از درک و تشخیص درست امور نیست. پیوندی که وی با فرهنگ قومی و ملی مایای پیشاکلمبی دارد، به او گونه‌یی روشن‌بینی، دل‌آگاهی و شهود می‌بخشد که در دیگران نیست.

از دیگر سو لیداسال و دونیا پترونیلا با وجود ضعف ظاهری جنسیت و فقر اجتماعی، با اعتقاد به نیروی جادو ـ که گونه‌یی انرژی حیاتی است ـ بر ناتوانی‌های طبقاتی ـ اجتماعی و جنسی خود چیره می‌شوند. دادن صدقه برای برگزاری جشن‌های آیینی و مقدس، کمک به دوخته شدن لباس شاهزادهٔ جشن مریم عذرا، پوشیدن لباس جادو و خوابیدن با آن به مدت هفت شب و راز و نیاز با آن، به یافتنِ شوهر کمک می‌کند. دونیا، با این باور توانسته عملاً شوهری چون دون فلیپ بیابد و لیداسال نیز امیدوار است به وصال جوانی گردن‌فراز برسد که حتی حاضر نیست به او نگاه کند. در اساطیر قوم مایا و به ویژه اسطورهٔ دو قلوهای قهرمان پوپول ووه آمده که وقتی ایزدی به نام شموکانه چهار انسان نخستین را از آرد ذرت خلق می‌کند، خدایان بر آن‌همه نیروی درک چهار انسان رشک می‌ورزند. پس ترجیح می‌دهند که به جای دانش گسترده، به آنان نعمتی ارزانی دارند که بیش‌تر به کار آنان می‌آید: «آفرینش‌گران با خلق چهار زن زیبا به عنوان همراهان انسان اولیه، به جای علم بر همه چیز، خوش‌بختی را به وی ارزانی می‌دارند.» (۱۰)

رویکرد اساطیر مایایی به گزینش زن بر دانایی، بر برتری دل‌آگاهی بر تعقل، ترجیح عاطفه بر خرد و در نهایت، امتیاز خانواده بر حیات فردی، دلالت دارد. اساطیر، ذهنیت تجریدی انسان نخستین نیست؛ چاره‌گری عملی برای پاسخ‌گویی به نیازهای مبرم انسان نخستین است. برکناره‌های برخی ظروف سفالی باقی‌مانده از تمدن مایای، تصویری از دو قلوها و فرزندان خدایان را می‌بینیم که با گروهی از دختران دم‌بخت در آب ایستاده‌اند. (۱۱) هم‌جواری زاده‌گان خداوندان با دختران باکره در کنار آب ـ که خود رمزی از باروری است ـ با غرقه شدن لیداسال در آب دریاچه بی‌ارتباط نیست. او با رفتن به آب دریاچه به طبیعت آغازین خود باز می‌گردد. آیینه همان طبیعت کشف شدهٔ اوست: «بر روی تخته سنگی چون مرمری سیاه قد برافراشت. حالا دیگر سراپای خود را می‌دید که بر سطح آب از نو به وجود آمده بود. ای عظمت طبیعت! آه ای آینهٔ عزیز!» (ص۱۳۲)

پی‌نوشت‌ها

۱. سلدن، رامان، نظریهٔ ادبی و نقد عملی، مترجم: دکتر جلال سخنور، سیما زمانی، تهران، انتشارات پوینده‌گان نور، ۱۳۷۵، ص ۹۷

2. Magic Realism: A Problem , under the direction of Dr. Leon Litvack as a requirement for the MA degree in Modern Literary Studies in the School of English at the Queen›s Universiy of Belfast , last revised 23 june 1999.

۳. توب، کارل، اسطوره‌های آزتکی و مایایی، ترجمهٔ عباس مخبر، تهران، نشر مرکز، چاپ دوم، ۱۳۸٤، ص ۸۵

4. The Homeless Moon: The Surrealism of Asturias.Jan. 28 2008 ,

۵. آستوریاس، میگل آنخل، توروتومبو، ترجمه ی زهرا خانلری (کیا)، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۱، ص ۱۰۸

6. Magical Realism and the Fantastic , A.B.Chanady , New York , Garland Publishing inc. 1985.

7. A Surreal Journey into the Soul of Guatmala , By Michael J. Mazza (Pittsburg , PA USA) January 2001 , 18

۸ سانچس، ویکتور، تولتک‌های هزارهٔ جدید، ترجمهٔ مهران کندری، تهران، نشر میترا، ۱۳۸٤، ص ۱٤

9. Project Guatmala: The National Folk Festival.

۱۰. توب، کارل، اسطوره‌های آزتکی و مایایی، ص ۸۵

۱۱. همان، ص ۹۱

جنرال عبدالرازق چرا و چگونه کشته شد؟

سیاووش

جنرال عبدالرازق، فرمانده پولیس قندهار پس از چاشت روز پنج‌شنبهٔ هفتهٔ گذشته در ساختمان مقام آن ولایت به شکل مرموزی کشته شد. مسوولان امنیتی می‌گویند که مقام‌های ولایت کندهار برای تأمین امنیت روز انتخابات در آن ولایت، با فرمانده نیروهای حمایت قاطع جلسه برگزار کرده بودند. مقام‌های امنیتی می‌گویند که پس از پایان جلسه، یکی از محافظانِ زلمی ویسا، والی کندهار بر مقام‌های کندهار تیراندازی کرد. گفته شده است که گلبدین محافظ والی کندهار به بهانهٔ پیشکش کردن تحفه به مهمانان به آنان نزدیک می‌شود و پس از آن به تیراندازی می‌پردازد. همزمان با آن، نیروهای امریکایی حاضر در محل شلیک می‌کنند که از اثر آن فرمانده پولیس کندهار و رییس امنیت این ولایت به شمول تصویر بردار تلویزیون ملی جان می‌بازند و شماری نیز زخمی می‌شوند.

کشته شدن جنرال عبدالرزاق که از او به عنوان یکی از چهره‌های پُرنفوذ و منتفد حکومت وحدت ملی به‌ویژه چگونگی کشانده شدن طالبان به صلح بود، نگرانی‌های را مطرح کرده است.

همزمان باایں، چگونگی اتفاق افتادن این حمله نگرانی‌ها و گمانه‌های فراوانی را مطرح کرده است.

بُعد داخلی حادثه

ادعای مسوولان امنیتی چندان به حقیقت نزدیک نمی‌نماید. نیروهای خارجی به‌ویژه نیروهای بلندپایهٔ امریکایی ساعت‌ها پیش از آنکه عزم رفتن به منطقه‌یی را کنند، آن منطقه را به شدتِ بازرسی می‌کنند. مقام‌های بلندپایهٔ امریکاییِ پیش از رفتن به محلی، مسوولیت امنیت آن را به عهده می‌گیرند. مقام‌های امنیتی امریکایی از بیم حضور افراد نفوذی در صفِ نیروهای امنیتی افغانستان، به این نیروها باور چندانی ندارند و اجازه نمی‌دهند امنیت آنان را تأمین کنند. با این وجود، حضور نظامیان و محافظان شخصی والی کندهار در جلسهٔ امنیتی امریکایی‌ها به دور از حقیقت است. گفته می‌شود که پیش از برگزاری نشست امنیتی کندهار، نیروهای امنیتی امریکایی آن محل را بررسی کرده بودند و نیز چرخبال‌های این نیروها بر فراز مقام ولایت گشت‌زنی داشتند.

بناً گمان غالب این است که جنرال رازق از سوی نظامیان امریکایی کشته شده باشد. در تصویری که منسوب به آن جلسه در شبکه‌ها اجتماعی نشر شد، یکی از سربازان خارجی دیده می‌شود که مجهز با تمام امکاناتِ نظامی به شمول سلاح است.

چنین به نظر می‌رسد که کشته شدن جنرال عبدالرازق با گفت‌وگوهای اخیر صلح و پا درمیانی زلمی خلیل‌زاد ربط داشته باشد. زلمی خلیل‌زاد، نمایندهٔ ویژهٔ وزارت خارجهٔ امریکا دو هفته پیش سفر ده روزه‌یی را برای «هماهنگی و رهبری تلاش‌های صلح افغانستان» آغاز کرد. خلیل‌زاد در آن سفر به افغانستان، امارات متحدهٔ عرب، پاکستان، قطر

و عربستان سعودی رفت و گفته شد که آقای خلیل‌زاد در قطر با طالبان گفت‌وگو کرده و روی برخی موارد که تاکنون مشخص نیست، توافق نیز کرده است. رسانه‌ها خبر دادند که طالبان برای پیوستن به پروسهٔ صلح، پیش‌شرط‌هایی گذاشته اند. رسانه‌ها خبر دیدار خلیل‌زاد با نمایندگان طالبان در قطر را نیز پخش کردند و گفته شد که طالبان پیش‌شرط‌های خود برای گفت‌وگوهای صلح را به او سپرده اند.

از جزییات این دیدارها و تقسیم پیش‌شرط‌ها مسوولان حکومت وحدت ملی آگاه نیستند. به تازه‌گی هم روزنامهٔ نیویارک تایمز در گزارشی از قول مقامات بلند رتبهٔ امریکایی که نخواسته اند نام شان افشا شود، نگاشته است که اعتماد امریکا بالای آقای غنی اندک شده و خلیل‌زاد نیز جزییات دیدار خود با طالبان را با مسوولان حکومت در میان نگذاشته است.

پیش از این، ارگ در خبرنامه‌یی گفته بود که خلیلزاد پس از برگشت از قطر جزییات دیدارها خود از پاکستان، عربستان و قطر را با مسوولان حکومت تقسیم کرده است.

از سویی هم، پیش از این یک مقام حکومت و برخی منابع به رسانه‌های داخلی و خارجی گفته بودند که حکومت در نظر دارد برخی مناطق را به طالبان واگذار کنند؛ هرچند این طرح همان زمان از سوی محمداشرف غنی رد شد.

اما چنین به نظر می‌رسد که کشته شدن جنرال رازق و عبدالجبار قهرمان، دو چهرهٔ ضدطالب در جنوب با این دیدار پیوند دارد. گمانه‌های وجود دارد طالبان شرط گذاشته اند تا نیروهای نظامی و سیاسی افغانستان برخی از مناطق مشخص را ترک کنند. چنین می‌نماید که طالبان شرط گذاشته باشند نیروهای سیاسی-نظامی ضد طالب در مناطقی که برای شان سپرده می‌شود، حضور نداشته باشند.

بُعد منطقه‌یی

حادثهٔ کندهار در بُعد منطقه‌یی نیز قابل بحث است. منابع به رسانه‌ها گفته اند که پاکستانی‌ها در گفت‌وگو با خلیل‌زاد، شرط گذاشته اند که در صورتی به پروسهٔ صلح افغانستان همکاری می‌کنند که امریکا در بحث «دیورند» با آنان همکاری کند.

پاکستان از گذشته‌های دور خواهان به رسمیت شناختنِ مرز دیورند از سوی حکومت افغانستانَ است. مقام‌های پاکستانی مدعی اند که در اطراف مرز دیورند مناطق و جزیره‌های فاقد حاکمیت دولت وجود دارد و هندوستان در آنجا تروریستان را آموزش و تربیه کرده، به پاکستان صادر می‌کند. پاکستانی‌ها از چند سال به این‌سو حصارکشی در امتداد مرز دیورند را نیز آغاز کرده اند که در مواردی، با واکنش پولیس سرحدی افغانستان مواجه شده اند.

جنرال عبدالرازق، یکی از مخالفانِ سرسختِ رسمیت یافتن مرز دیورند بود. جنرال رازقَ سه-چهار روز پیش از کشته شدندش در صفحهٔ فیسبوکش نگاشته بود که «درگیری شدیدی میان نیروهای سرحدی و نظامیان پاکستانی در خطوط مرزی در ولسوالی شورابک ولایت قندهار جریان دارد». بنابراین، شاید نخستین شرطِ همکاری پاکستان در پروسهٔ صلح افغانستان، برخورد جدی با جنرال رازق، بزرگترین چهرهٔ سیاسی-نظامی «لویه کندهار» بوده باشد. گزارش‌های تایید ناشده‌یی نیز وجود دارند که مقامات هندی به نسبت مخالفت جنرال عبدالرازق با رسمیت شناخته شدن خط دیورند هواخواه او بودند.

هفتهٔ پیش هندوستان علی‌الرغم مخالفت جدی و هشدارهای امریکایی‌ها، میلیاردها دالر را سامانهٔ دفاع موشکی «S۴۰۰» از روسیه خرید. دادوستد میلیارد دالری هندی‌ها با رقیب سرسخت امریکا، طبیعتاً خشم امریکا را در پی داشت. در سوی دیگر، خرید سامانهٔ دفاع موشکی هندوستان، پاکستانی‌ها را دست و پاچه کرده بود. برای امریکایی‌ها بسیار مهم است تا موازنهٔ قدرت را در جنوب آسیا بین هند و پاکستان حفظ کند؛ زیرا هر زمانی که موازنهٔ قدرت میان این دو کشور برهم خورده، پیامدش بروز جنگ و منازعه بوده است. خرید سامانهٔ دفاع موشکی طبیعتاً موازنهٔ قدرت را بین هند و پاکستان برهم زده است و این برای امریکا قابل قبول نیست. برای امریکایی‌ها بسیار مهم است هندی‌ها را تنبیه کند تا کشورهای دیگر به هُشدارهای امریکا متوجه باشند و دست به معامله‌ها اقتصادی با رقیب این کشور نزند. بنابراین، گمان غالب این است که امریکا برای تنبیه هندی‌ها و جلب رضایت پاکستانی‌ها، پروندهٔ عبدالرازق را بسته باشند.

به هرصورت، آنچه مطرح شد، مشاهدات عینی است. دیده شود که حقیقت پس پردهٔ این رویداد چه‌ها خواهد بود. حقیقتَ را گذشت روزگار و افشا شدن جزییات این حادثه مشخص خواهد کرد.

په نړیواله سطحه د نشه یي موادو د تهدید د مخنیوي لپاره یوه ستراتیژي جوړیږي

د ملګرو ملتونو له جرمونو او نشه یي موادو سره د مبارزې اداري په ستراتیژیکو فعالیتونو لاس پورې کړې دی.

د دې فعالیتونو هدف دا دی چې په نړیواله سطحه د نشه یي موادو د تهدید مخه ونیول شي.

د ملګرو ملتونو له نشه یي موادو او جرمونو سره د مبارزې اداره به د تېرو لسو کلونو د پروګرامونو تر ارزولو وروسته، له نشه یي موادو سره د مبارزې لپاره یوه جامع او نړیواله ستراتیژي جوړه کړي.

د ملګرو ملتونو له نشه یي موادو او جرمونو یا (UNODC) اداري استازي مارک کولن د افغان دولت له نشه یي موادو سره د مبارزې سیمه ییزې ستراتیژۍ د ارزونې په غونډه کې وویل، د نشه یي موادو پر وړاندې د ستراتیژیکو فعالیتونو پروکرام یا سارتو (SARTO) دې عمده هدفونه لري.

دی وایي: «یوه طرحه جوړه کړې چې هدف یې په نړۍ کې د نشه یي موادو له ګواښونو سره مبارزه ده، دا یوه عملي او د بدلون وړ طرحه ده چې پر دې بنسټ به ملي هدفونه تر لاسه، له نشه یي موادو سره د مبارزې سیمه ییز میکانیزمونه جوړ او عملي شي، دغه ډول به له نشه یي موادو سره د مبارزې د سیمه ییزو او نړیوالو پروګرامونو ترمنځ همغږي هم رامنځته شي، کوم بدلونونه چې موږ یې له نشه یي موادو سره په مبارزه کې غواړو، هغه بدلونونه یو هېواد په یوازي ځان نه شي را وستلای، بلکې د داسې هدفونو تر لاسه کول په نړیوالو پروګرامونو کې اصلاحات غواړي.»

(UNODC) خبرداری ورکوي چې په نړۍ کې د کوکنارو کښت په بې ساري ډول ډېر شوی او هر کال یې غوښتنه نوره هم ډېرېږي.

ښاغلی کولن وایي، د سیمه ییزو هېوادونو ترمنځ د همغږۍ د نشتوالي له امله له نشه یي موادو سره د مبارزې ملي پروګرام اغېزمن نه و، ځکه نو د کوکنارو کښت او تولید هم راکم نه شو.

افغانستان دولت د نشه یي موادو تولید، قاچاق او استعمال نړیواله ستونزه بولي او د (UNODC) ادارې له خوا له نشه یي موادو سره د مبارزې د نړیوالي ستراتیژۍ د جوړېدو هرکلی کوي.

له نشه یي موادو سره د مبارزې وزارت د پالېسۍ رئیس عثمان فروتن ازادي راډیو ته وویل، د افغان دولت له نشه یي موادو سره د مبارزې عملي پلان او د سیمه ییزې ستراتیژۍ نوې طرحې ته په کتو سره، د سارتو پروګرام د عملي کېدو وړ دی.

ده وویل: «دا د نړۍ په کچه یوه لویه ستراتېژي ده چې لا تر اوسه پورې نه ده نهایي شوې، (UNODC) یو سیمه ییز پروګرام هم لري چې افغانستان او د سیمې هېوادونه پکې شامل دي، په دې چوکاټ کې سیمه ییزه همکاري هم شته، د سارتو ستراتېژي هم د یو ستراتېژیک سند په توګه په افغانستان او سیمه کې له نشه یي موادو سره د مبارزې په برخه کې د تطبیق وړ ده.»

د روان کال په لومړیو کې د تاشکند ـ ازبکستان په کنفرانس کې له نشه یي موادو او جرمونو سره د مبارزې پر پروګرامونو ځکه انتقاد کېده چې د نشه یي موادو په کمواليِ کې ګټور او موثر نه وو، له همدې املـه په دې غونډه کې د دولتونو استازو وړاندیز وکړ چې باید له نشه یي موادو سره د مبارزې یوه جامع او نړیواله ستراتیژي جوړه شي.

آیا حمله به عبدالرازق...

و جانش را از دست داد. بلافاصله از وقوع این حادثه، تیوری توطیه شکل گرفت که گویا عبدالرازق به دستور و یا توسط «میلر» فرمانده کل نیروهای امریکایی کشته شده است. در این‌که فرماندهان و نظامیان امریکایی حیله‌گر و جنایت‌پیشه‌اند، شکی نیست اما آنان طبق یک برنامه کار می‌کنند و قرار نیست یکی از افراد پُر نفوذی مثل عبدالرازق را علناً تیرباران کنند. اگر عبدالرازق را بازوی پُرتوان امریکایی‌ها ندانیم، بلکه او برای امریکایی‌ها بسیار با ارزش بود. رازق، روزها و هفته‌ها در کنار امریکایی‌ها به‌سر می‌برد و در مکان‌های حساس و مهم آنان حضور می‌یافت. اگر امریکا قصد از میان برداشتن او را داشت، چنان بلایی بر سرش می‌آورد که تا ماه‌ها کسی از آن خبر نمی‌شد. از طرف دیگر، ده‌ها نفر از جمله «زلمی ویسا» والی زخمی قندهار گواه این حادثه بوده‌اند. همه متفق‌اند که یک فرد مسلح به‌سوی آنان تیراندازی کرده است. سوال این است که این فرد مسلح کی بوده است؟ نام این مهاجم که کمتر از ۲۰ سال داشت، «ذبیح‌الله» بود. او نزد طالبان با اسم مستعار «ابودجانه» شناخته می‌شد. این‌که عامل نفوذی طالبان چگونه به استخدام نیروهای دولتی درآمده بود و روز حادثه چگونه خود را به عبدالرازق و سایر مقامات دولتی رساند، به تحقیقات بیشتری نیاز دارد اما با شناختی که نگارنده از سرزمینش دارد، طالبان از نفوذ گسترده در جنوب افغانستان برخوردارند.

کمتر جایی است که این گروه در آن حضور یا نفوذ نداشته باشد. اصلاً بخشی از مردم جنوب افغانستان اگر نگوییم طالبان مسلح‌اند بلکه می‌توان گفت که تفکر طالبانی دارند و اگر زمینه‌اش فراهم شود، مسلح هم می‌شوند و در کنار طالبان قرار می‌گیرند. مناطق روستایی جنوب افغانستان، مملو از طالبان بوده و از آسمان و زمین این مناطق، طالب می‌بارد. به عبارت دیگر، کمتر قشری از اقشار در جنوب افغانستان پیدا می‌شود که طالبان در آن نفوذ نداشته باشند. البته در حال حاضر، بیشتر مناطق افغانستان همین وضعیت را دارد.

به‌هرحال، ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان امروز در یک نوار صوتی ۱۳ دقیقه‌یی، تمام جزییات عملیات طالبان را که منجر به کشته شدن عبدالرازق شد، شرح داده است. سخنگوی طالبان با صراحت تأکید می‌کند که کشتن عبدالرازق، برای آنان بسیار مهم بود و عامل نفوذی آنان نیز فقط برای کشتن رازق مأموریت یافته بود. افزون بر این، طالبان، ویدیوی مکمل عامل حمله به عبدالرازق را پخش کردند. ابودجانه در این ویدیوی هفت دقیقه‌یی، طی پیامی، سایر جوانان را نیز به‌زعم او به جهاد علیه دولت و نیروهای خارجی دعوت می‌کند. او با لهجه پشتوی جنوب‌شرقی حرف می‌زند که احتمال طراحی حمله به جان عبدالرازق را توسط «شبکهٔ حقانی»، تقویت می‌کند. همان‌طور که می‌دانید، شبکهٔ حقانی بخشی از بدنه طالبان در جنوب‌شرق افغانستان و مناطق قبایلی پاکستان است که به شدت تحت نفوذ سازمان اطلاعات پاکستان یا «آی.اس.آی» قرار دارد.

در این ویدیو، تمرینات نظامیِ ابودجانه نیز به تصویر کشیده شده که عمدتاً تمرین تیراندازی است. همین آدم روز پنجشنبه به‌سوی عبدالرازق و سایر مقامات دولتی شلیک کرد و سپس کشته شد. جسد او اکنون در اختیار نهادهای امنیتی افغانستان قرار دارد. با این توضیح، جای برای سوال باقی نمی‌ماند که حادثه روز پنجشنبه قندهار، کار طالبان نبوده باشد.

نکتهٔ سوم: وحی، پردهٔ عصمت سلف را می‌درد

در قرآن کریم نصوص متعددی آمده است، ستایش‌های مشخصی را برای خیریت و افضلیت می‌گذارد که همهٔ آنها بر محور ارزش‌های اخلاقی مانند: تقوا و پیروی نیکو به دور از چارچوب زمانی و مکانی می‌چرخد، چنانچه در قرآن کریم آمده است: (إن أکرمکم عند الله اتقاکم)«گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست». و آمده است: (والسابقون الأولون من المهاجرین والانصار والذین اتبعوهم بإحسان رضی الله عنهم ورضوا عنه)«پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار و آنها که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود و آنها (نیز) از او خشنود شدند». و آیات زیاد دیگری در نکوهش کسانی آمده است که از راه و رسم پدران و گذشته‌گان شان که مخالف منطق عقل است، پیروی می‌کنند، مانند این قول خداوند که می‌فرماید: (إنا وجدنا آباءنا علی أمة وإنا علی آثارهم مهتدون)«ما پدران خود را بر مذهبی یافتیم و از آنها پیروی می‌کنیم» و در آیت دیگری واژهٔ مقتدون را به کار می‌برد. همچنان آیات دیگری نیز آمده است که اخلاقیات برخی از مردمان زمان نزول را مورد انتقاد قرار می‌دهد، انجا که می‌فرماید: (ومن الناس من یقولوا آمنا بالله وما هم بمؤمنین)«در میان مردم کسانی هستند که می‌گویند به خدا و روز رستاخیز ایمان آورده‌ایم در حالی که ایمان ندارند». (ویقولون إن بیوتنا عورة وما هی بعورة إن یریدون إلا فرارا).«و می‌گفتند خانه‌های ما بدون حفاظ است، در حالی که بدون حفاظ نبود، آنها فقط می‌خواستند (از جنگ) فرار کنند!» (إذا جاءکم فاسق بنبأ فتبینوا)«اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد در بارهٔ آن تحقیق کنید»، کما اینکه نصوص وحی، احکام و مجازاتی را بیان کرده که بالای صحابه مورد تطبیق قرار گرفته است، مانند آیت‌های «ملاعنه» و آیت‌های «حدود»، و بلکه از نسل اول صحابه کسانی بودند که برای اذیت پیامبر آرزوی ازدواج با عایشه همسر آن حضرت بعد از وفات رسول اکرم را داشتند، برخی می‌گویند طلحه بوده است، آیت نازل شد و این تصرف نامناسب را مورد نکوهش قرار داد و فرمود: (ما کان لکم أن تؤذوا رسول الله ولا أن تنکحوا نساءه من بعده)«شما حق ندارید رسول خدا را آزار دهید» ابن حجر در شرح حال طلحه بن عبیدالله بن مسافع می‌گوید... گفته می‌شود او کسی است که این آیت (وما کان لکم أن تؤذوا رسول الله...) در باره‌اش نازل شده است. (الإصابة فی تمییز الصحابة، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار الجیل - بیروت، ۳/ ۵۳۳.)

انچه هویداست این است که نصوص قرآنی هیچ‌گونه توجهی به افضلیت مرحله‌های زمانی و تعاقب انسانی نداشته است، بلکه تمام توجه آن بر جوانب اخلاقی و ارزش‌های انسانی‌یی بوده که فراتر از حدود جغرافیا و تاریخ است مانند امانت، پاک‌دامنی، عدالت و احترام به حقوق انسانی و تکریم آن (ولقد کرمنا بنی آدم).

نکتهٔ چهارم: رویکرد تاریخی در حوزه‌های اخلاقی و سیاسی قرن اول

هدف ما از از رویکرد تاریخی نزدیک شدن به رویدادها و حوادثی است که در تاریخ اسلام پس از وفات پیامبر گرامی اسلام به وقوع پیوسته است، تا با بازپرسی آن رویدادها و حوادث، در سیاق تاریخی آن بپردازیم. بنابراین، منطق این رویکرد از روش تقدس‌گرایان و عیب‌جویان به دور بوده و به گونه‌یی است که با منطق وحی در بیان داستان‌ها هماهنگی کامل دارد، می‌خواهد از دل تاریخ عبرت‌هایی برای امروزیان برکشد نه اینکه به تقدیس مرحلهٔ زمانی و مکانی خاصی بپردازد، این رویکرد می‌خواهد از گذشته پا به حاضر بگذارد و از اشتباه به صواب روی آورد و از افسانه به حقیقت بگراید، نه آنچنان که تقدس‌گرایان می‌کنند، آنانی که به گذشته می‌روند بدون اینکه برگردند و حاضر را با گذشته محاکمه می‌کنند، پس با روش آنان، گذشته حاضر شده و مرده‌گان بر زنده‌گان حکومت می‌کنند و چنان قدرتی از مرده‌گان بر آنان حاکم است که اگر تمام تحقیقات تاریخی انتقادی، محدود بودن تجربه و ساده بودن اندیشهٔ آنان را به اثبات برساند و از پیامدهای فکری منفی آنان برنسل جدید و آینده‌گان سخن بزند، بازهم به آن مانند: کیک در پوستین مسافر چسپیده اند!

بهتر است تا نمونه‌یی از قرن اول هجری برای بازبینی و تحلیل بگیریم و چه بهتر خواهد بود اگر آن را از حوزه‌های اخلاقی و سیاسی انتخاب کنیم، در این رویکرد به تحقیق در حوزهٔ اخلاق و حوزهٔ سیاست می‌پردازیم تا بتوانیم به عمق حرکت انسان در قرن اول نفوذ کنیم، این را بدانیم که وجود انسان‌هایی به گونهٔ تصادفی در قرن اول، آنان را از انسانیت، انگیزه‌ها، کشش‌ها، شهوت‌ها و تأثیرپذیری از محیط نرهانیده تا به پلهٔ عصمت، قدسیت و فرشته خویی رسانیده باشد، به گونه‌یی که اقوال، افعال و اتفاق آنان به عنوان قوهٔ مقننه به شمار آید که در طول تاریخ به سان سخن پروردگار لایزال محسوب شود.

بزرگترین آفتی که ملت‌های عقب افتاده از کاروان تمدن را از پا در می‌آورد، آفت بت‌سازی تاریخ و رهبران و بزرگان آن است، چنین بت‌سازی‌یی از تعامل مثبت با حاضر و نگاه به آینده باز می‌دارد.

نخست: حوزهٔ اخلاق:

واقعیت انکارناپذیر این است که جامعهٔ صحابه و جوامع بعد از آن جامعه غیر عادی نبودند و به سان هر جامعهٔ انسانی دیگر با انگیزه‌های خیر و شر، راستی و دروغ، امانت و خیانت، عدالت و ظلم، عفت و فحشا، در کشمکش بودند. به عبارت دیگر، این جوامع از کرسی جامعهٔ بشری به کرسی جامعه ملائکی انتقال نیافته بودند، قرآن کریم با مواعظ، وصیت‌ها، تشریعات و حدودش بر این حقیقت تاکید می‌ورزد، طوری که قرآن‌کریم بر بشر نازل می‌شد تا سلوک و طبیعت و اخلاق آنان را مهذب سازد، آنان را به مدارج بلند انسانیت سوق دهد، اما حجم پذیرش ارزش‌های قرآنی و درجهٔ تغییر این جوامع مطابق ارزش‌های وحی خاضع عملیهٔ نسبت و تناسب است و ارزیابی دقیقی هم برای اینکه این جوامع به چه اندازه ارزش‌های قرآنی را پذیرفته اند، وجود ندارد، حتا انچه در کتاب‌های تاریخ سنی و شیعی تدوین یافته، نمی‌تواند نسبت دقیقی برای تحول از نگاه کمی و کیفی ارایه کند؛ زیرا اکثر مورخین از مردمان قرن‌های سه‌گانه نبوده اند، کما اینکه اکثر آنان را فقها و محدثین تشکیل می‌دهند که این طبقه از مورخین دوست داشتند جوانب فرشته خویی آن قرن‌ها را بیشتر از جوانب انسانی آن بیان دارند.

۱- اخلاق اجتماعی:

اگر اخلاق فردی و اجتماعی را در جامعهٔ قرن اول مورد بررسی قرار دهیم، به این حقیقت دست می‌یابیم که جامعهٔ قرن اول به سان هر جامعهٔ بشری دیگر، جامعهٔ انسانی بوده که در آن انگیزه‌ها، شهوت‌ها و رغبت‌ها وجود داشته است، به گونهٔ مثال قرآن کریم از مجموعه از مردمی یاد می‌کند که کار آنان در بد اخلاقی به جایی کشید که در خانوادهٔ نبوت هم طعن وارد کردند و داستان شان برای همه‌گان معروف است که به حادثهٔ افک شناخته می‌شود، قرآن کریم در این باره می‌فرماید: (إن الذین جاءوا بالافک عصبة منکم)«کسانی که آن تهمت عظیم را مطرح کردند، گروهی از شما بودند»، ضمیر (منکم) بر می‌گردد به مکنونات جامعهٔ اسلامی نخستین که از میان آنان اصحاب ذیل بوده اند: عبد الله ابن أبی خزرجی، حسان ابن ثابت شاعر رسول الله، حمنة بنت جحش؛ حمنهٔ خواهر زینب همسر رسول الله، مِسطح ابن اثاثهٔ پسر خالهٔ أبو بکر وی از جمله بدری‌ها هم است، در روایت‌ها هم آمده است که علی بن ابی طالب نیز برای پیامبر اشاره‌یی کرده و گفت: ای رسول خدا زنان زیادی غیر عایشه هم است. داستان جنگ کلامی‌یی که در داخل مسجد میان اسید بن حضیر و سعد بن عباده در بارهٔ رویداد افک صورت گرفت، مشهور است که در آن رسول خدا برخاست و خطبه‌یی ایراد کرد و فرمود: «چه کسی در مورد مردی که با تهمت زدن به خانواده‌ام باعث اذیت و آزارم شده است، مرا معذور می‌داند؟ (اگر او را مجازات کنم، مرا سرزنش نمی‌کند). سوگند به خدا که من از خانواده‌ام به جز خیر و نیکی، چیز دیگری سراغ ندارم و همچنان در مورد مردی (صفوان بن معطل) که از او سخن می‌گویند نیز به جز خیر و نیکی، چیز دیگری نمی‌دانم و فقط همراه من به خانه‌ام می‌آمد». با شنیدن این سخنان، سعد بن معاذ برخاست و گفت: من تو را در مورد او معذور می‌دانم. اگر آن مرد، از قبیلهٔ اوس است، گردنش را می‌زنیم و اگر از برادران خزرجی ماست، شما دستور دهید تا ما دستور شما را اجرا کنیم. بعد از این گفت‌وشنود، سردار خزرج، سعد بن عباده که پیش از این، مردی نیکوکار بود اما در این لحظه، تعصب قومی‌اش گل کرد، برخاست و گفت: دروغ می‌گویی. سوگند به خدا، نه او را به قتل می‌رسانی و نه توانایی کشتنش را داری. در این هنگام، اسید بن حضیر برخاست و گفت: والله، دروغ می‌گویی. سوگند به خدا که او را می‌کشیم. تو منافقی‌ای که از منافقان، دفاع می‌کنی. اینجا بود که قبیلهٔ اوس و خزرج بر آشفتند و در حالی که رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - بالای منبر بود، خواستند با یکدیگر درگیر شوند. با مشاهدهٔ این وضع، رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - از منبر پایین آمد و آنان را به آرامش دعوت کرد. تا اینکه خاموش شدند و رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - نیز سکوت کرد».(السنن الکبری، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعیب بن علی الخراسانی النسائی (المتوفی: ۳۰۳هـ ۱۴۸/۸ و المعجم الکبیر، الطبرانی، ۵۶/۲۳).

از صیغه‌های جمع که در سیاق حادثهٔ افک آمده، دانسته می‌شود که در پشت این حادثه، مجموعه‌یی از افراد جامعهٔ اسلامی آن زمان قرار داشته اند.

شگفت‌انگیزتر از همه اینکه در مدینه و در حکومت رسول خدا و در سرزمینی که هرازگاهی وحی آسمانی در آن بر رسول خدا فرود می‌آمد و پیامبر خدا در آن حضور داشتند، کسانی بودند که زنان مدینه را مورد اذیت و آزار جنسی قرار داده و اعمال ناشایستی در برابر زنان سرزمین پیامبر (صحابیات) انجام می‌دادند، این گروه بد اخلاق را کتاب‌های تفسیر به‌نام (فاسقان مدینه یاد می‌کنند) و بدون شک که افراد این گروه در مسمی صحابه داخل اند، شامل (رضی الله عنهم) مطابق تعریف کلاسیک از صحابه می‌شوند، در اکثر کتاب‌های تفسیر در ذیل این آیت که می‌فرماید: (یا أیها النبی قل لازواجک وبناتک ونساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین...) آمده است که گروهی از فاسقان مدینه در شب‌ها بیرون برآمده و زمانی که تاریکی شب همه جا را می‌پوشانید، زنان را مورد تعرض قرار می‌دادند. مسکن‌های مدینه تنگ بود و شب‌ها زنان برای رفع حاجت به راه‌ها خارج می‌شدند، در این زمان بود که مورد اذیت و آزار اوباشان مدینه قرار می‌گرفتند، زمانی که زنی را می‌دیدند که جلباب در سر دارد، می‌گفتند: زن آزاد است و از اذیت آن دست بر می‌داشتند و اگر بر آن جلباب نمی‌دیدند، می‌گفتند که کنیز است و بر وی حمله ور می‌شدند.(أضواء البیان، الشنقیطی ، ۲۴۵/۶، الدر المنثور، السیوطی، ۶۵۹/۶، ابن کثیر، ۶۲۴/۳). ضحاک و کلبی گفتند، این آیت در بارهٔ زناکارانی نازل شده است که در راه‌های مدینه شب‌ها زمانی که زنان برای رفع حوائج خویش بیرون می‌آمدند، پشت آنان را می‌گرفتند، پس غمزه می‌کردند آن زن را اگر سکوت می‌کرد در پی‌اش می‌رفتند و اگر سروصدا راه می‌انداخت از تعقیب دست می‌کشیدند.(تفسیر البغوی، ۳۷۶/۶) و از حسن روایت است: در مدینه کنیزکانی بودن که در پشت آنان حرف در می‌آوردند، در بیرون می‌رفتند و آدم‌های سفیه و احمق آنان را مورد اذیت و آزار قرار می‌دادند و زنان آزاد هم خارج می‌شدند و اوباشان گمان می‌کردند که آنان کنیزکان اند لذا آنان را نیز مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند، به همین لحاظ رسول خدا زنان مسلمان را دستور داد تا جلباب‌ها (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای اینکه (از کنیزان و آلوده‌گان) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند.(تفسیر الصنعانی،۳۰۶/۴).

خیرالقرون در آیینه تاریخ!

بخش دوم

احمد ذکی خاورنیا

صاحب امتیاز: احمد ولی مسعود
مدیر مسؤول: نظری پریانی – ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
nazari.paryani@yahoo.com
ویراستار: روح الله یوسف زاده
مدیر خبر: هارون مجیدی
گزارشگران: ناجیه نوری، روح‌الله بهزاد و ابوبکر صدیق
برگ آرایی: مجیب‌الله احمدی– ۰۷۹۵۰۶۷۴۶۳

نشانی برقی: mandegar.daily@gmail.com وب سایت: www.mandegardaily.com
شماره تماس: ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰
مسؤول توزیع: نادری – ۰۷۴۴۶۰۰۶۳۰
نشانی: سرک ۱۳ وزیراکبرخان، کوچه چهارم دست چپ
به جز «سخن ماندگار» مسؤولیت دیگر نبشته‌ها به نویسنده‌گان برمی‌گردد.
چاپ: مطبعه امام – ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

Year 10 NO 2354 Monday 22 October 2018

DAILY
Mandegar

رأی به پایان ناامیدی‌ها

هارون مجیدی

انتخابات مجلس نماینده‌گان افغانستان پس از سه‌سال و شش ماه تأخیر بامداد ۲۸ میزان با مراجعه مردم به بیش از پنج‌هزار و یک‌صد مرکز رأی‌دهی در ۳۲ ولایت به استثنای غزنی و کندهار، آغاز شد. این روند به نسبت مشکلات «فنی» و «امنیتی» در برخی از مراکز در دو دوم هم ادامه یافت.

برنبیاد آمار اعلام شده، در این دوره از انتخابات حدود هشت میلیون و ۸۰۰ هزار نفر که سه میلیون و ۶۷هزار نفر آن‌ها زنان و پنج میلیون و ۶۸۱ هزار نفر نیز مردان هستند، برای رأی دادن ثبت نام کرده اند.

انتخابات‌های افغانستان هیچ‌گاه پایان خوشی برای مردم نداشته و باعث شده که همواره از میزان پایین اعتماد مردم به این روند صحبت شود. انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری و ناکاره‌گی مسوولان حکومت وحدت ملی برآوردها را به سمت میزان بالای نا رضایتی مردم از انتخابات می‌کشاند و نگرانی‌های زیادی از حضور کمرنگ آنان مطرح می‌شد.

انتخابات مجلس نماینده‌گان پُر از انتقادها و ادعاهای تقلب و نامدیریتی کمیسیون انتخابات و حکومت که باعث تمدید یک روزه‌یی رأی‌دهی و ثبت هزاران شکایت شد.

گذشته از مشکلات موجود در این روند اما مشکلات سد راه مردم برای اشتراک در این پروسه نشد و شهروندانی که ثبت نام کرده بودند و صادقانه میخواستند نماینده‌گان خود را انتخاب کنند، با شور و اشتیاق فراوانی پای صندوق‌های رأی رفتند.

یک روز پیش از ۲۸ میزان مسوولان در کمیسیون انتخابات اعلام کردند که رأس ساعت ۷ بامداد مراکز رأی‌دهی گشوده می‌شود. من هم مانند هر شهروند دیگری که رأی دادن را به عنوان تنها گزینهٔ تغییر و تحکیم مردم‌سالاری در کشور می‌داند، حوالی همین ساعت خود را به مرکزی رساندم که ثبت نام کرده بودم.

مرکزی که ثبت نام کرده بودم در یکی از بخش‌های ناحیهٔ ۱۷ شهر کابل موقعیت دارد، وقتی به این مرکز رأی‌دهی رسیدم، متوجه شدم که صف‌های طولانیِ از مردان و زنانی کشیده شده که چشم به راه اجازهَ یافتن برای ورود در این مرکز می‌باشند.

مردان و زنان صف کشیده از تأخیر در آغاز روند رأی‌دهی در این مرکز شکایت داشتند، مشکلی که همه‌گانی و در تمام مراکز رأی‌دهی از آن شکایت وجود داشت. مردان و زنان رأی‌دهنده در این مرکز می‌گفتند که بیش از یک ساعت است آمده اند، اما مسوولان امنیتی و کمیسیون انتخابات به آنان اجازهٔ ورود نمی‌دهند.

خواستم به گونهٔ عملی علت کُندی روند رأی‌دهی در این مرکز را پیدا کنم.

مشکلات

پس از بگو مگوهای زیاد با مسوولان امنیتی و با پیش نشان دادن کارت هویت، اجازه یافتم وارد مرکز انتخاباتی لیسهٔ نسوان شهرک وحدت در ناحیه ۱۷ شوم و اعتراض مردم را به گوش مسوولان این مرکز برسانم.

نبود هماهنگی

میان اعضای این مرکز و نیروهای امنیتی ناهماهنگی وجود داشت، نیروهای امنیتی فقط سیل‌بین بودند و بالای مردم داد می‌زدند و گاهی درِ مرکز را می‌بستند.

وقتی مردم خواهش می‌کردند که با مسوولان مرکز صحبت کنند تا مشکل حل شود و مردم اجازه بیابند، همکاری نمی‌کردند. با یکی از مسوولان امنیتی صحبت کردم و اجازه یافتم که به نماینده‌گی از مردم با مسوولان این مرکز صحبت کنم تا به حل مشکل پرداخته شود.

ناظران ناثبت شده

مشکل دیگر در این مرکز رأی‌دهی حضور شمار زیادی از ناظران نامزد نماینده‌گان و نهادهای نظارت‌کننده از این پروسه بود.

از نشانی شماری از نامزد نماینده‌گان چندین ناظر در این مرکز آمده بودند، در این میان کارت هویت برخی از آنان ثبت کمیسیون انتخابات بود. این وضعیت باعث شده بود تا مسوولان این مرکز مدیریت کرده نتوانند و روند رأی‌دهی با کُندی روبه‌رو شود.

بیروکراسی

وقتی وارد شدم با مسوول اصلی مرکز صحبت کردم، او مشکلات و کُندی کار را پذیرفت و گفت که آنان تلاش دارند، اما سیستم با بیروکراسی عجیب روبه‌رو است و روند رأی دهی را با کُندی مواجه کرده است.

او گفت که این‌بار تمام بخش‌های روند رأی‌دهی جدید است، ناآشنایی برخی از کارمندان با ابزارها باعث پراکنده‌گی و کُندی شده است.

خواهش کردم تا اجازه بدهد که عملاً این روند را سپری کنم، وقتی در قطار ایستادم، متوجه شدم شاید بیش از ده یا پانزده دقیقه زمان می‌گرفت که هر شهروند رأی بدهد.

مشکل اصلی هم پیدا کردن نام رأی‌دهنده‌گان در کتاب مخصوصی بود. بخشی که باید با استفاده از دیتابیس و به گونهٔ فناوری شده استفاده می‌شد، درج کتاب‌ها شده و نام هر رأی دهند باید از میان هزاران تن جستجو و پیدا می‌شد.

به یکی از مسوولان مرکز گفتم که وقتی تذکرهٔ رأی دهنده برچسب دارد و نشان می‌دهد که در همین محل ثبت نام کرده و پس از آن انگشتش رنگ می‌شود، با قلم مخصوصی شناس‌نامه‌اش نشانی و انگشت‌نگاری می‌شود و همزمان عکس رأی دهنده هم گرفته می‌شود، زمینه برای انجام تقلب پایین می‌آید و روند هم تکمیل می‌شودو نیاز است تا بخش کُند کنندهٔ روند-جستجوی نام‌ها در کتاب مخصوص- را بردارید.

مسوول مرکز پذیرفت، این بخش روند که بیروکسی بیش نبود حذف شد و آرام آرام پروسهٔ رأی‌دهی سرعت یافت.

ساعتی نگذشته بود که صف‌های طولانی فشرده شدند و همه با شادمانی رأی‌های خود را به صندوق ریختند.

شور و اشتیاق مردم

حوالی ساعت یازدهٔ پیش از چاشت دیروز، یکی از مرکزهای رأی‌دهی در ناحیه ۱۷ گواه انفجار ماین مقناطیسی بود. این انفجار شهروندان صف کشیده برای رأی دادن را پراکنده ساخت؛ در این انفجار تنها یک سرباز پولیس به گونهٔ سطحی زخم برداشت. نیروهای امنیتی این مرکز از مردم خواستند تا از بهر تحقیقات بیشتر اجازه بدهند تا ساعاتی این درِ آن را ببندند.

مردم اما با همهٔ چالش‌ها مصمم بودند تا رأی دهند. با شماری از شهروندانی که پس از انفجار در این مرکز دوباره بر می‌گشتند، صحبت کردم، می‌گفتند وقتی این مرکز باز شود دوباره می‌آیند و رأی می‌دهند.

زنانی و مردانی که قرار شد پس از ساعاتی دوباره برگردند، می‌گفتند با پذیرفتن تمامی مشکلات امنیتی و فنی و حتا نگرانی‌ها از عدم شفافیت پروسهٔ انتخابات، این روند را تنها گزینهٔ بیرون شدن افغانستان از مشکلات دانسته و رأی می‌دهند.

روایت‌های این گونه در مراکز دیگر هم فراوان بود، اما در روزهای بعد روشن خواهد شد که نهادهای برگزار کنندهٔ انتخابات و حکومت چقدر این «امید» مردم را بر آورده می‌سازند و به اثبات می‌رسانند که انتخابات همچنان گزینهٔ نهایی برای بیرون شدن از بحران در افغانستان است، این امید چتر جدیدی را برای حضور مردمی‌تر و شهروند محورتر انتخابات ریاست‌جمهوری که قرار است در سال پیش‌رو خورشیدی برگزار شود، می‌گشاید.

آیا حمله به عبدالرازق کار طالبان بود؟

محمدمرادی

جنرال عبدالرازق فرمانده مقتول پولیس قندهار، سال گذشته مدعی شد که ۳۵ بار توسط طالبان مورد حمله قرار گرفته است. او پس از این سخنان، چندین‌بار دیگر نیز مورد سوء قصد قرار گرفت که تعبیه مواد منفجره داخل میک یا میکروفون خبرنگاری، از این دسته بود. بدون شک عبدالرازق بیشتر از همه کسانی که مدعی جنگ با طالبان هستند، طالب کشت. او طالب کشت و کشت تا سرانجام امنیت نسبی در قندهار تأمین شد. فراموش نکنیم که عبدالرازق در خانهٔ زنبور دست به این کار زد و باید تعجب کرد که او تاکنون چگونه زنده مانده بوده است. نگارنده خود اهل قندهار است و بیش از همه، با روحیات مردم این منطقه آشنا است. امکان ندارد شما به کسی آسیب برسانید اما بازمانده‌گان او، قصد آسیب رساندن به شما را نکند.

در این هم نباید تردید که عبدالرازق، ده‌ها و بلکه صدها تن از جنگجویان طالبان را به قتل رساند و شهرت و محبوبیت او نیز از همین بابت است.

آیا این عاقلانه است که تصور کنیم طالبان قصد «غچ» یا انتقام از عبدالرازق را نداشته‌اند؟ کشتن عبدالرازق برای طالبان، از نان شب برای این گروه واجب‌تر بود. بنابراین، او روز پنجشنبه ۲۶ میزان، توسط یکی از نفوذی‌های این گروه در ساختمان دفتر والی این ولایت، هدف قرار گرفت...

ادامه صفحه ۶